

Article Title

Assessing the Global Competitiveness Position of Iran's Economy and the Characteristics of the Development Strategy: Challenges and Solutions

Mirabdollah hosseini^{1*} - Faculty Member (Associate Professor), Department of Foreign Trade, Institute of Trade Studies and Research, Tehran, Iran.

Ali, Dini - Faculty Member (assistant professor), Department of Domestic Trade, Institute of Trade Studies and Research, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Proper competitiveness in a country is achieved when efficient institutions, appropriate infrastructure, a stable macroeconomic environment, high-quality health and education, high skills and specialized knowledge, efficient markets (goods, labor, and finance), a high level of readiness to absorb technology, large market size and trade specialization, complex digital-based businesses, and creativity and innovation are endogenous to society. Within this framework, this study has been studied and compiled with the aim of evaluating the regional and global gap in the competitiveness of the Iranian economy and explaining appropriate competitiveness and strategies for improving it over the past decade. For this purpose, first the theoretical framework of various dimensions and methodology was stated, then the results of the research on Iran's competitiveness in the world and its 12 components and a picture of the desired state of explanation were presented, and then the ways to improve competitiveness and the components and variables affecting it were presented. The results indicate that: Global competitiveness with a new approach in facing and adapting countries to the process of the Fourth Industrial Revolution and the situation in Iran, it results in a sharp decline in Iran's competitiveness ranking. The 30-rank drop in Iran's competitiveness indicates the inflexibility of the Iranian economy to adapt to the changes resulting from the Fourth Industrial Revolution. The decline in Iran's competitiveness ranking with the previous and new approaches is mainly related to the processing area. Meanwhile, the ranking status of the indicators "macroeconomic stability", "institutions", "skills" and "business dynamism" is much more unfavorable. In order to enhance Iran's competitiveness in 12 components and their components: (1) improving the efficiency of institutions, (2) developed and up-to-date infrastructure, (3) stable macroeconomic environment, (4) high-quality and effective health and basic education, (5) productive higher education closely interacting with comprehensive dimensions of development, (6) efficient goods market and its requirements, (7) efficient and productive labor market and closely interacting with comprehensive dimensions of development, 8) a developed and development-facilitating financial market, (9) Readiness to absorb technology with constructive interaction and reduced uncertainties, (10) Market development in line with leading emerging/newly industrialized economies, (11) Complexity, development, and close interdependence and interaction of businesses, and (12) Provisions and requirements for the development of innovation can be suggested.

Keywords: Competitiveness, Institutions, Macroeconomic Stability, Market Efficiency (Goods-Labor-Financial), Level of Technology and Innovation, Iran

* Corresponding Author: hosseini.mir2010@gmail.com, <https://orcid.org/0009-0004-5521-9226>

ارزیابی جایگاه رقابت‌پذیری جهانی اقتصاد ایران و مختصات راهبرد توسعه: چالش‌ها و راهکارها

میرعبداله، حسینی^۱ - عضو هیئت علمی (دانشیار)، گروه بازرگانی خارجی، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران، ایران
علی، دینی - عضو هیئت علمی (استادیار)، گروه بازرگانی داخلی، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران، ایران

چکیده

۳/۵ cm

رقابت‌پذیری مناسب در کشور موقعی تحقق می‌یابد که نهادهای کارآمد، زیرساخت‌های مناسب، اقتصاد کلان باثبات، بهداشت آموزش باکیفیت، مهارت‌ها و دانش تخصصی بالا، کارآمدی بازارها (کالا-کار-مالی)، سطح بالای آمادگی جذب فن‌آوری، بزرگی اندازه بازارها و تخصصی‌شدن تجارت، کسب‌وکارهای پیچیده مبتنی بر دیجیتال و خلاقیت و نوآفرینی در جامعه درون‌زا شود. در این چارچوب، این مطالعه با هدف ارزیابی و شکاف منطقه‌ای و جهانی رقابت‌پذیری اقتصاد ایران و تبیین رقابت‌پذیری مناسب و راهکارهای بهبود آن در یک دهه گذشته مورد مطالعه و تدوین یافته است. برای این منظور، ابتدا چارچوب مبانی نظری از ابعاد مختلف و روش‌شناسی بیان شد و سپس نتایج پژوهش رقابت‌پذیری ایران در جهان و ۱۲ مولفه آن و تصویری از وضع مطلوب تبیین و آنگاه راههای بهبود رقابت و مولفه‌ها و متغیرهای اثرگذار بر آن ارائه شد. نتایج گویای آن است که:

۱. رقابت‌پذیری ایران در دهه اخیر در مقیاس جهانی و منطقه‌ای وضعیت نامناسبی داشته و روند آن طی این مدت با ۳۰-رتبه، روبه تنزل گذاشته است. رقابت‌پذیری، میزان پیچیدگی اقتصاد کشورها، موانع توسعه و نقاط ضعف و قوت اقتصاد هر کشور را در قالب ۱۲ مولفه نشان می‌دهد. اخیراً از طرح جدید درسنجش امتیاز و تبه‌بندی رقابت‌پذیری کشورها، رقابت‌پذیری جهانی بر مبنای انقلاب صنعتی ۴ و پیشرفت‌های متعاقب آن باز طراحی شده است. در این بین، ایران در ۶ مولفه از ۱۲ مولفه شامل کارایی بازار کار، بازار محصول، نظام مالی، پویایی کسب و کار، نهادها و ثبات محیط اقتصاد کلان ضعیف‌ترین، و در مقابل، تنها در یک مولفه اندازه بازار بهترین وضعیت (نکته قوت) را دارد. بنابراین این ۶ مولفه، رقابت‌پذیری ایران را در جهان بشدت تضعیف و در مقابل تنها مولفه اندازه بازار، رقابت‌پذیری جهانی ایران را به‌طور موثری بهبود داده است. البته بیم آن می‌رود که چشم‌انداز آتی مولفه‌ها از جمله تنها نکته قوت، اندازه بازار باتکانه‌های غیرکنترلی روبه وخامت گذارد.

۲. با دسته‌بندی مولفه‌های دوازده‌گانه رقابت‌پذیری در سه قلمرو ورودی، پردازشی و خروجی، ۳ مولفه (زیرساخت‌ها، سلامت (بهداشت و آموزش ابتدایی) و مهارت‌ها (آموزش عالی و حرفه‌ای)، به‌عنوان ورودی‌ها، ۷ مولفه (اندازه بازار، نهادها، ثبات محیط اقتصاد کلان، کارایی بازار کالا، بازارهای مالی، پویایی کسب و کار و آمادگی تکنولوژیکی) به‌عنوان پردازشی‌ها و دو مولفه (کارایی بازار نیروی کار و نوآوری) به‌عنوان خروجی‌ها قابل دسته‌بندی است. با مشاهده وضعیت رقابت ایران در دهه گذشته، رتبه جهانی ایران در رده متوسط، و در طی دوره رو به تنزل (پایین) است. اما رتبه ایران در شاخص‌های ورودی شامل ۳ مولفه زیرساخت‌ها، سلامت و مهارت‌ها، اساساً در رده متوسط، و در طی دوره پرنوسان و بعضاً روبه تنزل (پایین) است و رتبه ایران در مولفه‌های ۷ گانه پردازشی (به‌ویژه نهادها، ثبات محیط اقتصاد کلان، بازار مالی و بازار کالا) و سپس دو مولفه خروجی (بازار نیروی کار و توانایی نوآوری) در رده پایین (وضعیت نامناسبی) ارزیابی می‌شود. این امر نشان از چالش‌های اساسی مدیریتی است؛ به این معنی که مدیریت کشور نه‌تنها از شاخص‌های ورودی (داده‌ها) برای بهبود وضعیت بهره‌گیری نمی‌کند، بلکه موجب کاهش رتبه در بسیاری از مولفه‌های پردازشی و مولفه‌های خروجی (ستاندها) شده است. عدم توازن و تناسب میان ستانده و داده، گویای ضعف بهره‌وری و کارایی نظام اقتصادی دارد. رفع ضعف و کاستی بنیادی، مربوط به کیفیت سیاست‌گذاری‌ها است.

۳. رقابت‌پذیری جهانی با رویکرد جدید در مواجهه و انطباق کشورها با روند انقلاب صنعتی چهارم و وضعیت ایران، نتیجه می‌شود که تنزل شدید رتبه رقابت ایران تجربه می‌شود. تنزل ۳۰ رتبه‌ای رقابت‌پذیری ایران، گویای انعطاف‌ناپذیری اقتصاد ایران برای تطبیق با تغییرات ناشی از انقلاب صنعتی چهارم است. کاهش رتبه رقابت ایران با رویکرد پیشین و جدید، عمدتاً به ناحیه پردازشی مربوط می‌شود. در این بین، وضعیت رتبه شاخص‌های «ثبات اقتصاد کلان»، «نهادها»، «مهارت‌ها» و «پویایی کسب‌وکار» براتب نامناسب‌تر است. بمنظور ارتقای رقابت ایران در ۱۲ مولفه و اجزای آن (۱) ارتقای کارآمدی نهادها، (۲) زیرساخت‌های توسعه‌یافته و روزآمد، (۳) ثبات محیط اقتصاد کلان، (۴) بهداشت و آموزش پایه باکیفیت و اثربخش، (۵) آموزش عالی ثمربخش و تنگاتنگ تعاملی با ابعاد همه‌جانبه توسعه، (۶) بازار کالای کارآمد و الزامات آن، (۷) بازار کار کارا و ثمربخش و تعامل تنگاتنگ با ابعاد همه‌جانبه توسعه، (۸) بازار مالی توسعه‌یافته و تسهیل‌کننده توسعه، (۹) آمادگی جذب فناوری با تعامل سازنده و کاهش نااطمینانی‌ها، (۱۰) توسعه بازار همسان با اقتصادهای نوظهور/ تازه صنعتی پیشرو، (۱۱) پیچیدگی، توسعه‌یافتگی و درهم‌تنیدگی و تعامل تنگاتنگ کسب و کارها و (۱۲) تمهیدات و الزامات برای توسعه نوآوری قابل پیشنهاد است.

واژه‌های کلیدی: رقابت‌پذیری، نهادها، ثبات اقتصاد کلان، کارآمدی بازارها (کالا-کار-مالی)، سطح فن‌آوری و نوآوری، ایران

۱- مقدمه

خدمات لجستیک رقابت‌پذیری یک مفهوم تطبیقی است که توانایی یا عملکرد یک شرکت، بنگاه اقتصادی، یک بخش اقتصادی یا یک کشور را در زمینه عرضه کالا یا خدمات به یک بازار مشخص نشان می‌دهد. امروزه رقابت‌پذیری مفهوم و حوزه‌ی گسترده‌تری دارد و در تبیین آن دهها عامل دخالت دارند. رقابت‌پذیری مجموعه‌ای از نهادها، سیاست‌ها و عواملی است که سطح بهره‌وری یک کشور را تعیین می‌کنند. سطح بهره‌وری نیز به نوبه خود سطح رفاه اقتصادی مردم را در اقتصاد کشورها مشخص می‌کند. به دیگر بیان می‌توان گفت اقتصادهایی که رقابت‌پذیرتر هستند، سطح بالاتری از رفاه را برای شهروندان خود ایجاد می‌کنند. موقعی رقابت‌پذیری مطلوب تحقق می‌یابد که نهادهای کارآمد، زیرساخت‌های گسترده و مناسب، ثبات اقتصاد کلان، بهداشت و آموزش با کیفیت، دانش تخصصی بالا و با کیفیت مناسب، کارآمدی بازار کالا، کارایی و انعطاف‌پذیری بازار کار، بازار مالی توسعه‌یافته، سطح بالای جذب فن‌آوری، بزرگی اندازه بازارها و تخصصی‌شدن تجارت، محیط کسب‌وکار کارآمد و رقابتی و نهادینه شدن ابداع و نوآوری همه‌جانبه در جامعه حکم‌فرما باشد.

هدف این مطالعه پاسخ به این پرسش‌ها است که چه مولفه‌ها، نهادها، سیاست‌ها و عوامل در بهبود توسعه و رقابت‌پذیری جهانی اقتصاد کشورها موثر است؟ وضعیت موجود و مطلوب رقابت‌پذیری اقتصادی ایران چگونه است؟ و راهکارهای گذار از وضع موجود به وضع مطلوب رقابت‌پذیری ایران در منطقه و جهان در میان مدت کدام هستند؟ در واقع، مطالعه حاضر بدنبال تبیین رقابت‌پذیری و راههای بهبود آن در اقتصاد ایران است. در این راستا، ابتدا چارچوب و مبانی نظری موضوع از ابعاد و زوایای مختلف ارائه می‌شود. سپس ضمن ارائه و تحلیل وضع موجود، تصویری از وضع مطلوب ارائه شده و راههای بهبود رقابت‌پذیری در اقتصاد ایران در منطقه و جهان ارائه شده است. در این مطالعه از مطالعات تطبیقی و تحلیل یافته‌های مطالعات نهادهای بین‌المللی از جمله صندوق بین‌المللی پول (IMF)، بانک جهانی (WB) و مجمع جهانی اقتصاد (WEF)، و همین‌طور وابسته به سازمان ملل نظیر سازمان توسعه صنعتی (یونیدو: UNIDO)، سازمان بین‌المللی کار (ILO) و برنامه توسعه ملل متحد (UNDP)، با تاکید ویژه بر جایگاه ایران در جهان برای مقاطع سالانه در یک دهه اخیر تا دهه ۲۰۲۰ استفاده می‌شود.

۲- مباحث نظری و مولفه‌های رقابت‌پذیری

در مطالعه چارچوب نظری توان رقابتی یا رقابت‌پذیری، مناسب‌ترین و جامع‌الاطراف‌ترین مطالعات، مطالعه مجمع جهانی اقتصاد است که بیش از یک دهه است با عنوان گزارش رقابت‌پذیری جهانی^۱ منتشر شده و پیوسته بر انسجام و محتوای آن افزوده شده است. در ادامه، به اجمال اهم نکات برجسته مباحث نظری مطرح می‌شود. هدف گزارش رقابت‌پذیری جهانی کمک به شناخت عوامل اصلی رشد اقتصادی پایدار و ارتقای سطح درآمد و رفاه کشورها در بلندمدت است. در این رهگذر، ابزارها و رهنمودهای مهمی برای بهبود سیاست‌های اقتصادی و اصلاحات نهادی در اختیار سیاستگذاران و فعالان اقتصادی قرار می‌دهد. شالوده مطالعه، بررسی مقایسه‌ای «شاخص رقابت‌پذیری جهانی^۲» تشکیل می‌دهد که شاخصی جامع و برگرفته از مبانی و معیارهای اقتصادی خرد و کلان رقابت ملی است. تعریف رقابت‌پذیری عبارت است از «مجموعه نهادها، سیاست‌ها و عوامل تعیین‌کننده سطح بهره‌وری^۳ یک کشور». سطح بهره‌وری هم سطح پایدار رونق و رفاه قابل حصول در یک نظام اقتصادی را تعیین می‌کند. به عبارت دیگر، نظامهای اقتصادی رقابتی‌تر معمولاً دارای توانایی تولید درآمد بالاتری برای شهروندان هستند. بعلاوه، سطح بهره‌وری، نرخ بازده سرمایه‌گذاری را هم تعیین می‌کنند و از آنجا که این نرخ بازده نقش اساسی در میزان رشد

1. The Global Competitiveness Report (GCR)
2. Global Competitiveness Index (GCI)
3. Productivity

اقتصادی کشورها دارد، یک نظام اقتصادی رقابتی‌تر احتمالاً رشد اقتصادی سریعتری در میان مدت تا بلندمدت خواهد داشت. براین اساس، مفهوم رقابت‌پذیری هم خصلتی ایستا دارد و هم خصلتی پویا؛ بهره‌وری یک کشور از یک طرف توانایی آن کشور را برای حفظ سطح درآمد آن نشان می‌دهد و از طرف دیگر یکی از عوامل تعیین‌کننده نرخ بازده سرمایه‌گذاری است که خود یکی از عوامل اصلی تعیین‌کننده ظرفیت رشد یک نظام اقتصادی است.

شاخص رقابت‌پذیری جهانی از میانگین موزون مؤلفه‌های متفاوت بسیاری تشکیل می‌شود که هر یک از آنها یکی از وجوه مفهوم پیچیده رقابت‌پذیری را نشان می‌دهد. شاخص رقابت‌پذیری جهانی با استفاده از ۹۶ تا ۱۱۲ متغیر یا نماگر^۱ برای بیش از ۱۴۰ کشور محاسبه شده است.^۲ این متغیرها یا نماگرها به طور موزون به ۱۲ مؤلفه یا رکن^۳، زیرشاخصها^۴ و شاخص رقابت‌پذیری جهانی است. در جدول (۱)، ۱۲ مؤلفه و رکن تشکیل‌دهنده شاخص رقابت‌پذیری جهانی پرداخته می‌شود.

جدول (۱): ارکان و مولفه‌های ۱۲ گانه و چگونگی نقش و تاثیر در رقابت‌پذیری اقتصادها

عنوان	چگونگی نقش و تاثیر در رقابت‌پذیری جهانی
مؤلفه اول - نهادها	محیط نهادی به معنای چارچوب حقوقی و اداری است که در درون آن، افراد، شرکتها و دولتها برای تولید درآمد و ثروت به تعامل با یکدیگر می‌پردازند. در خلال بحران جهانی ۲۰۰۷-۹، با توجه به روند فزاینده نقش مستقیم دولت در اقتصادکشورها، اهمیت وجود یک محیط نهادی مستحکم آشکارتر از گذشته شده است. کیفیت نهادها تأثیر زیادی روی رقابت‌پذیری و رشد اقتصادی دارد. ^۵ کیفیت نهادها روی تصمیمات سرمایه‌گذاری و سازمان تولید تأثیر گذاشته و نقشی محوری در نحوه توزیع منافع و تحمل هزینه‌های راهبردها و سیاست‌های توسعه‌ای در جوامع ایفا می‌کند. برای مثال، صاحبان زمین، سهام شرکتها یا دارایی‌های فکری در صورتی که از حقوق مالکانه آنها حمایت نشود، تمایلی به سرمایه‌گذاری برای بهبود و نگهداری دارایی‌ها نخواهند داشت. ^۶ نقش نهادها از چارچوب حقوقی فراتر می‌رود. نحوه برخورد دولت‌ها با بازارها و آزادی‌هاو کارایی اقدامات آنها نیز بسیار حایز اهمیت است: مثلاً دیوانسالاری و کاغذبازی بیش از حد ^۷ ، مقررات بیش از حد ^۸ ، فساد، تقلب و فریبکاری در اجرای قراردادهای عمومی، فقدان شفافیت و اعتماد، و وابستگی سیاسی نظام قضایی باعث تحمیل هزینه اقتصادی زیادی به مؤسسات اقتصادی شده و فرایند توسعه را کند می‌کند. ^۹ مدیریت صحیح مالی عمومی نیز نقشی اساسی در ایجاد اعتماد در محیط ملی فعالیت اقتصادی دارد. در گزارش رقابت‌پذیری جهانی، برای تکمیل معیارهای ثابت محیط اقتصادکلان که در مؤلفه سوم آمده، نماگرهای مربوط به کیفیت مدیریت دولتی، مالیه عمومی مدنظر قرار گرفته‌اند. اگرچه در متون اقتصادی عمدتاً روی نهادهای عمومی تکیه می‌شود، نهادهای خصوصی هم نقش مهمی در فرایند تولید ثروت دارند. بحران جهانی اخیر، همراه با افتضاحات و رسوایی‌های متعدد شرکتها، اهمیت شفافیت و استانداردهای حسابداری و گزارش‌دهی را در جلوگیری از تقلب و سوء مدیریت، تضمین مدیریت و حکمرانی خوب، و حفظ اعتماد سرمایه‌گذاران و مصرف‌کنندگان نشان داد. عملکرد خوب یک نظام اقتصادی در گرو مدیریت صادقانه مؤسسات اقتصادی و تبعیت مدیران از رویه‌های اخلاقی محکم در معاملات با دولت، مؤسسات و شرکتها دیگر، و عموم مردم است. ^{۱۰} شفافیت بخش خصوصی برای فعالیت اقتصادی اجتناب‌ناپذیر است و تحقق این شفافیت از طریق کاربرد استانداردها و نیز رویه‌های حسابداری و حساسی میسر است که دسترسی بموقع به اطلاعات را تضمین کند. ^{۱۱}
مؤلفه دوم - زیرساختها	زیرساخت گسترده و کارآمد از شرایط اساسی رقابت‌پذیری است. زیرساخت‌ها نقش اساسی در عملکرد مؤثر یک نظام اقتصادی دارد، زیرا عامل مهمی در تعیین محل فعالیت اقتصادی و انواع فعالیتها یا بخشهای اقتصادی قابل توسعه در یک نظام اقتصادی خاص است. زیرساخت توسعه یافته باعث کاهش تأثیر فاصله بین مناطق و در نتیجه باعث ایجاد همگرایی و یکپارچگی در بازار ملی و مرتبط ساختن آن با بازارهای سایر کشورها و مناطق با هزینه‌های پایین می‌شود. بعلاوه، کیفیت و گستردگی زیرساختها به طرق متعدد تأثیر زیادی روی رشد اقتصادی گذاشته و فقر و نابرابری درآمدی را کاهش می‌دهد. ^{۱۲} در این زمینه، یک زیرساخت حمل و نقل و ارتباطات توسعه یافته، یکی از شرایط لازم برای توانایی جوامع کمتر توسعه یافته برای وصل شدن به مراکز فعالیتهای اقتصادی و خدمات اساسی است. شیوه‌های مؤثر حمل‌ونقل کالا، افراد و خدمات - مثل جاده‌ها، راه‌آهن، بندر، و حمل و نقل هوایی باکیفیت - باعث می‌شود که فعالان اقتصادی بتوانند کالاها و خدمات را به طور مطمئن و بموقع به بازار برسانند و انتقال کارگران به مناسب‌ترین مشاغل را تسهیل می‌کند. عملکرد نظام اقتصادی به تأمین پیوسته و کافی برق نیز بستگی دارد، به طوری که کارخانه‌ها و مؤسسات اقتصادی بدون وقفه بتوانند کار کنند. سرانجام، یک شبکه مطمئن و گسترده ارتباطات راه دور، جریان سریع و آزاد اطلاعات را میسر می‌سازد و این امر با تضمین امکان برقراری ارتباط بین مؤسسات اقتصادی و امکان تصمیم‌گیری بازیگران اقتصادی با استفاده از کلیه اطلاعات قابل دسترس باعث افزایش کلی کارایی می‌شود.

1. Variable and Indicator

^۲ تعداد شاخص‌ها و تعداد کشورها در گزارش‌های سالانه رقابت‌پذیری جهانی در یک دهه اخیر یکسان و ثابت نبوده است و پیوسته با

جرح و تعدیل‌هایی متحول، و شرح و بسط یافته است. بنابراین دامنه این شاخص‌ها و تعداد کشورها توجه شده است.

3. Component and Pillar

4. Subindex

5 de Soto 2000

6 de Soto and Abbot 1990

7 Excessive Bureaucracy and Red Tape

8 Overregulation

9 Fischer 1993

10 Sachs 2001

11 Schultz 1961, Backer 1993, Lucas 1988, and Kremer 1993.

12 World Bank 1994, Gramlich 1994, Schaurer 1989, Canning et al. 1994, and Easterly 2002.

جدول (۱): ارکان و مولفه‌های ۱۲ گانه و چگونگی نقش و تاثیر در رقابت‌پذیری اقتصادها	
عنوان	چگونگی نقش و تاثیر در رقابت‌پذیری جهانی
مولفه سوم - ثبات اقتصاد کلان	ثبات محیط اقتصاد کلان برای فعالیت اقتصادی و در نتیجه رقابت‌پذیری کلی یک کشور حایز اهمیت است ^۱ . هر چند درست است که ثبات اقتصاد کلان به تنهایی نمی‌تواند بهره‌وری یک کشور را افزایش بدهد، ولی این نیز پذیرفته شده است که آشفتگی اقتصاد کلان به نظام اقتصادی آسیب می‌زند. اگر دولتی مجبور باشد بهره بالایی برای بدهیهای گذشته خود بپردازد، نمی‌تواند خدمات کارامدی ارائه دهد. کسری بودجه باعث کاهش توانایی یک دولت برای پاسخگویی به چرخه‌های اقتصادی می‌گردد. با یک تورم غیرقابل کنترل، شرکتها نمی‌توانند بخوبی کار کنند. هنگامی که در یک کشور نرخ تورم بالا یا خارج از کنترل است شرکتها یا بنگاهها نمی‌توانند تصمیمات آگاهانه، منطقی یا خردمندانه‌ای اتخاذ کنند. به طور خلاصه، رشد اقتصادی به گونه‌ای پایدار، بدون ثبات در محیط کلان میسر نیست. در مؤلفه سوم فقط روی ثبات اقتصاد کلان تکیه می‌شود و نحوه مدیریت حسابهای عمومی به وسیله دولت به طور مستقیم لحاظ نمی‌شود. این مسأله کیفی در زیرمؤلفه نهاد عمومی لحاظ می‌شود که در بالا به آن اشاره شد.
مولفه چهارم - بهداشت و آموزش ابتدایی^۲:	نیروی کار سالم از اهمیت اساسی برای رقابت‌پذیری و بهره‌وری یک کشور برخوردار است. کارگرانی که بیمارند نمی‌توانند بخوبی کار کنند و تولید کمتری خواهند داشت. فقدان سلامت، هزینه زیادی برای اقتصاد دربردارد، زیرا کارگران بیمار اغلب غیبت داشته یا با کارایی کمتری کار می‌کنند. بنابراین، سرمایه‌گذاری برای تأمین خدمات بهداشتی، بر اساس ملاحظات روشن اقتصادی و اخلاقی، اهمیت حیاتی دارد ^۳ . علاوه بر بهداشت و سلامت، در مؤلفه چهارم، کمیّت و کیفیت آموزش افراد نیز که اهمیت فزاینده‌ای در اقتصاد امروز یافته است، لحاظ می‌شود. آموزش باعث افزایش کارایی کارگران می‌شود. علاوه، کارگرانی که آموزش رسمی کمی دیده‌اند، فقط می‌توانند کارهای دستی ساده را انجام بدهند و برای آنها انطباق با فرایندهای فنون تولید پیشرفته‌تر به مراتب دشوارتر است. بر این اساس، فقدان آموزش برای توسعه فعالیتها محدودیت ایجاد می‌کند، زیرا برای شرکتها، ارتقای زنجیره ارزش از طریق تولید محصولات پیچیده‌تر یا ارزشمندتر دشوار می‌شود. این امر اهمیت اساسی تخصیص منابع کافی به این حوزه را نشان می‌دهد.
مولفه پنجم - کارآموزی و آموزش عالی^۴:	برای نظامهای اقتصادی که می‌خواهند از محصولات و فرایندهای تولیدی ساده فراتر رفته و به سطح بالاتری از زنجیره ارزش دست یابند، آموزش و تحصیلات باکیفیت و عالی‌تر اهمیت اساسی دارد ^۵ . بویژه، جهانی‌شدن اقتصاد امروز می‌طلبد که کشورها کارگران آموزش‌دیده و تحصیلکرده‌ای داشته باشند که بتوانند بسرعت با محیط متحول خود انطباق یابند. در مؤلفه پنجم، میزان ثبت نام در مقاطع آموزشی متوسطه و عالی و همچنین کیفیت آموزش مورد سنجش قرار می‌گیرد. میزان آموزش کارکنان هم لحاظ می‌شود، زیرا برای تضمین ارتقای مداوم مهارت‌های کارگران در مقابل نیازهای متحول نظامهای اقتصادی پویا، آموزش شغلی و ضمن خدمت که در بسیاری از کشورها مورد غفلت قرار می‌گیرد، حایز اهمیت است.
مولفه ششم - کارایی بازار کالایی	کشورهایی که بازارهای کالایی کارآمدی دارند، در موقعیتی قرار دارند که می‌توانند به تولید ترکیب صحیحی از کالاها و خدمات بپردازند (با توجه به شرایط عرضه و تقاضا) و در عین حال تجارت این کالاها را به بهترین نحو تضمین کنند. رقابت سالم در بازار داخلی و خارجی - نقش مهمی در ارتقای کارایی بازار در نتیجه بهره‌وری شرکتها دارد، زیرا موفقیت کارآمدترین شرکتها را تضمین می‌کند. بهترین محیط برای مبادله کالاها محیطی است که در آن دولت کمترین مانع را برای فعالیت اقتصادی ایجاد کند. برای مثال، مالیاتهای سنگین و تحریف‌کننده و قواعد و مقررات محدودکننده و تبعیض‌آمیز در مورد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی - محدود کردن مالکیت خارجی - و همچنین تجارت باعث محدود شدن رقابت‌پذیری می‌شود. برای نمونه، رکود اقتصاد جهانی و متعاقباً تنزل تجارت و افزایش بیکاری، دولت‌ها را تحت فشار قرار داد تا اقداماتی برای حمایت از شرکتها و اشتغال داخلی اتخاذ کنند. ولی محدود کردن تجارت نه تنها باعث تشدید رکود می‌شود، بلکه در بلندمدت باعث کاهش رشد بویژه در کشورهای در حال توسعه نیز می‌شود. کارایی بازار به شرایط تقاضا مثل گرایش مشتریان و پیچیدگی خریداران هم بستگی دارد. به دلایل فرهنگی، در برخی کشورها، تقاضای مشتریان ممکن است بیشتر باشد. این امر یک مزیت رقابتی مهم است، زیرا شرکتها را بسوی نوآوری و مشتری‌مداری سوق داده و انضباط لازم را برای کارایی بازار به وجود می‌آورد.
مولفه هفتم - کارایی بازار کار	کارایی و انعطاف‌پذیری بازار کار نقش اساسی در تخصیص بهینه کارگران و ایجاد انگیزه کار و تلاش دارد. بنابراین، بازار کار باید این انعطاف‌پذیری را داشته باشد که انتقال سریع و کم‌هزینه کارگران از یک فعالیت اقتصادی به یک فعالیت دیگر و نوسان دستمزدها بدون بروز آشوب اجتماعی را میسر سازد. یک بازار کار کارآمد این ویژگی را داشته باشد که رابطه‌روشنی بین انگیزه کارگران و تلاش آنها برقرار کرده و از استعدادهای موجود بهترین استفاده را ببرد (از جمله برقراری عدالت بین زنان و مردان در محیط فعالیت).
مولفه هشتم - بازار مالی پیشرفته^۶:	بحران اقتصاد جهانی اخیر نقش محوری یک بخش مالی سالم و کارآمد را برای فعالیت اقتصادی نشان داد. یک بخش مالی کارآمد باعث می‌شود که منابع پس‌انداز شده به وسیله شهروندان یک کشور و منابع وارد شده از خارج، به مولدترین فعالیتها تخصیص یابد. بخش مالی کارآمد، منابع را بسوی طرحهای اقتصادی و سرمایه‌گذاری با بالاترین نرخهای بازده مورد انتظار سوق می‌دهد و نه به سوی طرحهای سیاسی. بنابراین، ارزیابی کامل و صحیح ریسک و مخاطره اهمیت اساسی دارد. سرمایه‌گذاری اقتصادی نقشی حیاتی در بهره‌وری دارد. به همین دلیل، نظامهای اقتصادی به بازارهای مالی پیچیده یا پیشرفته‌ای نیاز دارند که بتوانند سرمایه لازم برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را از منابعی مثل اخذ وام از یک بخش بانکی سالم، مبادلات قانونمند اوراق بهادار، سرمایه‌مخاطره‌آمیز ^۷ و سایر ابزارهای محصولات مالی تأمین کنند. برای تحقق همه این کارکردها، بخش بانکی باید شفاف و مورد اعتماد باشد و بازارهای مالی به مقررات مناسبی برای حمایت از سرمایه‌گذاران و سایر بازیگران در کل نظام اقتصادی نیاز دارند.
مولفه نهم - آمادگی	این مؤلفه، میزان استفاده یک نظام اقتصادی از فناوریهای موجود برای تقویت بهره‌وری صنایع را نشان می‌دهد ^۸ . جهانی‌شدن و یکپارچگی دنیای امروز باعث شده که فناوری اهمیت فزاینده‌ای برای رقابت و رونق شرکتها بیابد. به خصوص، فناوریهای اطلاعات و ارتباطات، به «فناوری با کاربرد عمومی» در عصر حاضر تبدیل شده‌اند، زیرا تأثیر زیادی روی سایر بخشهای اقتصادی گذاشته و نقش یک زیرساخت کارآمد را برای معاملات تجاری ایفا می‌کنند. بنابراین، دسترسی به فناوری اطلاعات و ارتباطات (از جمله وجود مقررات مناسب در این زمینه) و استفاده از آنها در مؤلفه نهم به عنوان عناصر اساسی سطح کلی آمادگی فناورانه نظامهای اقتصادی در نظر گرفته شده‌اند. در اینجا، از نظر تأثیرگذاری بر رقابت‌پذیری، این مسأله مهم نیست که فناوری

- 1 Fischer 1993
2. Primary Education
- 3 Sachs 2001
4. Higher (Secondary and Tertiary) Education and Training
- 5 Scshultz 1961, Becker 1993, Lucas 1988, and Kremer 1993
6. Financial Market Sophistication
7. Venture Capital
- 9 Aghion and Howitt 1992 and Barro and Sala-i-Martin 2003

جدول (۱): ارکان و مولفه‌های ۱۲ گانه و چگونگی نقش و تاثیر در رقابت‌پذیری اقتصادها

عنوان	چگونگی نقش و تاثیر در رقابت‌پذیری جهانی
جذب فن‌آوری^۱	مورد استفاده در داخل کشور تولید شده است یا در خارج. مسأله اساسی این است که شرکت‌های فعال در یک کشور به محصولات پیشرفته دسترسی داشته و بتوانند از آنها استفاده کنند. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یکی از منابع اصلی فناوری خارجی است که اغلب نقشی اساسی ایفا می‌کند. در اینجا باید سطح فناوری قابل دسترس برای شرکت‌های یک کشور را از توانایی آن کشور برای نوآوری و توسعه مرزهای دانش جدا کرد. به همین دلیل است که آمادگی جذب فناوری از نوآوری جدا شده و مؤلفه دوازدهم به نوآوری اختصاص دارد.
مولفه دهم - اندازه بازار	اندازه بازار بر بهره‌وری تأثیر می‌گذارد، زیرا بازارهای بزرگ، استفاده از صرفه‌های مقیاس را برای شرکتها میسر می‌سازد. به طور سنتی، بازارهای قابل دسترس برای شرکتها بوسیله مرزهای ملی محدود شده‌اند، ولی در عصر جهانی شدن، بازارهای بین‌المللی به جایگزینی برای بازارهای داخلی بویژه برای کشورهای کوچک تبدیل شده‌اند. شواهد تجربی حاکی از وجود یک رابطه مثبت بین آزادی تجارت و رشد است. اگرچه برخی تحقیقات استحکام این رابطه را نقض کرده، ولی برداشت عمومی این که تجارت تأثیری مثبت بر رشد بویژه برای کشورهای با بازارهای داخلی کوچک دارد ^۲ . بدین ترتیب، برای تعیین اندازه بازار شرکت‌های یک کشور، صادرات را می‌توان جایگزینی برای تقاضای داخلی تلقی نمود. با لحاظ کردن هردو بازار داخلی و خارجی در اندازه بازار، نظام اقتصادی صادراتی و مناطقی جغرافیایی نظیر اتحادیه اروپا که از کشورهای متعدد ولی از بازار مشترک واحدی برخوردارند، مورد توجه است.
مولفه یازدهم - پیشرفت کسب و کار^۳	این مولفه باعث افزایش کارایی در تولید کالا و خدمات و این هم باعث افزایش بهره‌وری و در نتیجه ارتقای رقابت‌پذیری کشور می‌شود. پیشرفت در کسب و کار به کیفیت شبکه کسب و کار کشور و کیفیت عملیات و راهبرد یکایک شرکتها مربوط می‌شود. این مؤلفه بویژه در مورد کشورهایی اهمیت دارد که در سطح پیشرفته‌ای از توسعه قرار دارند؛ کشورهایی که استفاده از منابع ابتدایی تر بهره‌وری تا حد زیادی پشت‌سر گذاشته شده است. کیفیت شبکه کسب و کار و صنایع پشتیبان یک کشور که برای اندازه‌گیری آنها از نماگرهای کمی و کیفیت عرضه‌کنندگان تر بهره‌وری تا حد زیادی پشت‌سر گذاشته شده است. کیفیت شبکه کسب و کار و صنایع اهمیت است. وقتی که شرکتها عرضه‌کنندگان یک بخش خاص در قالب گروه‌های همجوار از نظر جغرافیایی (خوشه‌ها) به هم پیوند می‌خورند، کارایی افزایش یافته، فرصت‌های بیشتری برای نوآوری به وجود آمده موانع ورود شرکت‌های جدید کاهش می‌یابد. عملیات و راهبردهای یکایک شرکتها (برندسازی ^۴ ، بازاریابی، وجود زنجیره ارزش، و تولید محصولات پیشرفته منحصر به فرد) همگی به ظهور فرایند پیشرفته مدرن کسب و کار منجر می‌شوند.
مولفه دوازدهم - نوآوری	آخرین مؤلفه، نوآوری است. هر چند بهبود نهادها، ایجاد زیرساختها، کاهش بی‌ثباتی اقتصاد کلان یا بهبود سرمایه انسانی می‌تواند منافع زیادی در برداشته باشند، ولی همه این عوامل در نهایت به سمت بازده کاهنده می‌روند. همین امر در مورد کارایی بازار کار، بازار مالی و بازار کالایی هم صادق است. در بلند مدت، سطح زندگی فقط از طریق نوآوری می‌تواند ارتقا یابد. نوآوری به ویژه برای آن دسته از نظام‌های اقتصادی حایز اهمیت است که به مرزهای دانش نزدیک می‌شوند و برای آنها امکان اخذ و جذب فناوری‌های خارجی رو به زوال می‌گذارد ^۵ . هر چند کشورهای کمتر پیشرفته هنوز با اخذ فناوری‌های موجود یا بهبود تدریجی در حوزه‌های دیگر می‌توانند بهره‌وری را افزایش دهند، ولی این امر برای افزایش بهره‌وری کشورهایی که به مرحله نوآورانه توسعه رسیده‌اند دیگر پاسخگو نیست. در این کشورها، شرکتها برای حفظ قدرت رقابت خود باید به طراحی و تولید محصولات و فرایندهای پیشرو بپردازند. این امر مستلزم وجود محیطی است که فعالیتهای نوآورانه با پشتیبانی هر دو بخش عمومی و خصوصی را پرورش دهد. به طور اخص، این امر مستلزم سرمایه‌گذاری کافی در زمینه تحقیق و توسعه بویژه به وسیله بخش خصوصی، وجود مؤسسات تحقیقات علمی پیشرفته، همکاری تحقیقاتی گسترده بین دانشگاه و صنعت، و حمایت از مالکیت فکری است.

ماخذ: برگرفته از گزارش رقابت‌پذیری جهانی مجمع جهانی اقتصاد طی سال‌های ۲۰۰۸ الی ۲۰۲۰.

گزارش‌های اخیر رقابت‌پذیری با طرح شاخص جدید رقابت‌پذیری جهانی (GCR4.0) از وجوه تمایزی برخوردار است. مجمع جهانی اقتصاد در طول چهار دهه‌ای که به مطالعه و ارزیابی عوامل موثر بر رقابت‌پذیری کشورها تمرکز داشته، شرایط محیط پیرامون و الزامات پویایی کشورها با توجه به واقعیات بیرونی را همواره در نظر دارد. با وجود آنکه مجمع همچنان در قالب ۱۲ رکن، رقابت‌پذیری کشورها را می‌سنجد، اما بر اساس تغییرات صورت گرفته در نماگرها و نحوه محاسبه امتیازها، کشورها نمی‌توانند رتبه و امتیاز رقابت‌پذیری و به‌طور کلی عملکرد سال‌های اخیر را با سال‌های پیشین مقایسه کنند^۶.

با شمولیت مفاهیم نو و تلاش‌های گسترده برای جمع‌آوری داده‌های جدید، «شاخص جهانی رقابت‌پذیری ۴/۰» دیدی عمیق و منحصر به فرد از عوامل مهم روبه رشد در عصر «انقلاب صنعتی چهارم» - «سرمایه‌انسانی»، «نوآوری»، «انعطاف‌پذیری» و «چابکی» - ارائه می‌کند. این مهم با به‌کارگیری مفاهیم جدید و حیاتی نظیر فرهنگ کارآفرینی، ایده‌های نوین کسب و کارها، همکاری‌های چندجانبه، شایسته‌سالاری و اعتماد اجتماعی در کنار اجزای سنتی تر نظیر

1. Technological Readiness

3. Frenkel& Romer1999, Rodrik& Rodriguez 1999, Sachs& Warner 1999, Alesina et al. 2005

4. Business Sophistication

5. Clusters

6. Branding

7 Romer 1990, Aghion and Howitt 1992, and Grossman and Helpman, 1991.

در واقع، ۱۱۴ متغیری که در گزارش‌های پیشین رقابت‌پذیری جهانی مجمع جهانی اقتصاد، ۱۲ مولفه و شاخص‌های رقابت‌پذیری جهانی را تشکیل می‌دادند، به ۹۸ اطلاعات حاصل از نظرسنجی از مدیران اجرایی بنگاه‌های اقتصادی از ۷۰ به ۳۰ درصد کاهش متغیر کاسته شده که از این میان ۶۴ متغیر جدید هستند. همچنین، وزن یافته و ۷۰ درصد امتیازات براساس داده‌های آماری کشورها اندازه‌گیری می‌شود.

فناوری اطلاعات و ارتباطات، زیرساخت فیزیکی، ثبات اقتصاد کلان، حقوق مالکیت و سال‌های حضور در مدرسه تحقق یافته است. «شاخص جهانی رقابت‌پذیری ۴/۰» فرایند نمره‌دهی جدیدی - در بازه صفر تا ۱۰۰ - را معرفی کرده است. نمره ۱۰۰ معادل جایگاه هدف برای سیاست‌گذاران است. هدف هر کشور باید حداکثرسازی نمره در هر یک از زیرشاخص‌ها باشد، در حالی که نمره فعلی، فاصله آنها را تا نقطه هدف نشان می‌دهد. گفتنی است رقابت‌پذیری یک «بازی با حاصل جمع صفر» نیست و برای همه کشورها قابل دستیابی است.

در چرایی نوآفرینی شاخص جدید رقابت‌پذیری باید گفت که به گزارش مجمع جهانی اقتصاد، در بحبوحه تغییرات سریع فناوری، سیاست قطبی‌شده و بهبود شکننده اقتصادی، تعریف، ارزیابی و اجرای مسیرهای جدید برای ایجاد رشد و رفاه اهمیت می‌یابد. با توجه به اینکه «بهره‌وری» مهم‌ترین عامل تحقق رشد اقتصادی بلندمدت است، «شاخص جهانی رقابت‌پذیری ۴/۰» با هدف فهم بهتر مجموعه عوامل نوظهوری که در عصر «انقلاب صنعتی چهارم» برای بهره‌وری حیاتی هستند و همچنین ایجاد ابزاری برای ارزیابی آنها طراحی شده است. در این باره، هر کشور به منظور ارتقای رقابت‌پذیری، به‌جای تاکید بر یک عامل نیاز به اتخاذ نگرشی جامع دارد. در واقع، موفقیت در یک حوزه نمی‌تواند عملکرد ضعیف سایر حوزه‌ها را جبران کند. بنابراین به منظور افزایش رقابت‌پذیری، هیچ حوزه‌ای نباید نادیده گرفته شود. کلوس شوآب، بنیان‌گذار و رئیس مجمع در مقدمه گزارش در یادداشتی توضیح می‌دهد که گزارش با هدف کمک به سیاست‌گذاران، رهبران کسب‌وکارها و سایر ذی‌نفعان در گوشه و کنار جهان برای شکل‌دهی راهبردهای اقتصادی در عصر «انقلاب صنعتی چهارم» تهیه و تدوین شده است.

۳- روش‌شناسی پژوهش و ارتباط متقابل مولفه‌ها و مراحل توسعه و شاخص موزون (شامل معرفی متغیرها، جداول، شکل‌ها، نمودارها و روابط ریاضی)

شاخص رقابت‌پذیری جهانی از میانگین موزون مؤلفه‌های متفاوت بسیاری تشکیل می‌شود که هر یک از آنها یکی از وجوه مفهوم پیچیده رقابت‌پذیری را نشان می‌دهد. شاخص رقابت‌پذیری جهانی با استفاده از ۱۱۴ متغیر یا نماگر برای ۱۳۳ کشور محاسبه شده است. متغیرها یا نماگرها به طور موزون به ۱۲ مؤلفه یا رکن و سپس به ۳ زیرشاخص و در نهایت به شاخص رقابت‌پذیری جهانی تبدیل شده‌اند^۱:

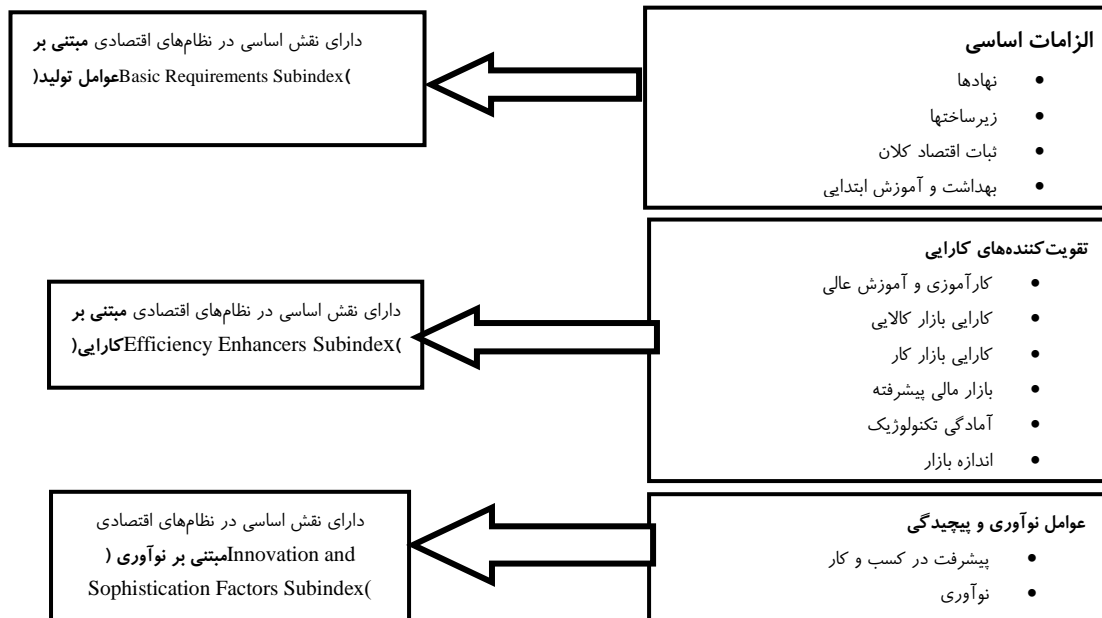
۱۱۴ متغیر/ نماگر (۱۳۹ کشور) ۱۴ مؤلفه یا رکن ۳ زیرشاخص (با ۳ مرحله) شاخص رقابت‌پذیری جهانی

هرچند ۱۲ مؤلفه رقابت‌پذیری به‌طور جداگانه توصیف و معرفی می‌شوند، ولی این امر نباید ما را از این واقعیت غافل سازد که این مؤلفه‌ها مستقل نیستند: آنها نه تنها با یکدیگر ارتباط دارند بلکه معمولاً یکدیگر را تقویت می‌کنند. برای مثال، نوآوری (مؤلفه دوازدهم) در دنیایی بدون نهاد حافظ حقوق مالکیت فکری (مؤلفه اول) یا در کشورهای با نیروی کار فاقد تحصیلات و آموزش کافی (مؤلفه پنجم) میسر نیست و در نظام اقتصادی فاقد بازارهای کارآمد (مؤلفه‌های ششم، هفتم و هشتم) یا فاقد زیرساخت کارآمد و گسترده (مؤلفه دوم) دشوارتر است. هرچند برای ساختن شاخص رقابت‌پذیری جهانی عملاً به تلفیق این ۱۲ مؤلفه در یک شاخص واحد می‌پردازیم، ولی هر یک از این مؤلفه‌ها به‌طور جداگانه معرفی شده است، زیرا تحلیل غیرتلفیقی و تفکیکی می‌تواند برای کشورها و دست‌اندرکاران مفید باشد: این نوع تحلیل، ما را به حوزه‌های خاصی که هر کشور خاص باید در آنها دست به اصلاح بزند نزدیکتر می‌سازد. روشن است که مؤلفه‌های مختلف تأثیر متفاوتی روی کشورهای مختلف می‌گذارند: بهترین راه بهبود رقابت‌پذیری برای بورکینافاسو با بهترین راه بهبود رقابت‌پذیری برای سوئیس یکسان نیست. دلیل این امر آن است که این دو در سطح متفاوتی از توسعه قرار دارند: همان‌طور که کشورها در مسیر توسعه جلو می‌روند، دستمزدها افزایش می‌یابد و برای حفظ این درآمد بالاتر، بهره‌وری نیروی کار باید افزایش یابد.

نحوه تعریف، دسته‌بندی و وزن‌دهی به ۱۱۴ متغیر یا نماگر مذکور و منابع مورد استفاده برای گردآوری داده‌های مربوط به آنها در پیوست ۱ گزارش^۱ رقابت‌پذیری جهانی (ص ۴۷-۴۵) و قسمت "منابع و یادداشتهای فنی" (ص ۴۷۵-۴۷۳) مفصل آمده است که از آرایه آن صرف‌نظر می‌شود. این گزارش مجمع جهانی اقتصاد در سال ۲۰۱۰-۲۰۱۱ به منظور ارزیابی جایگاه رقابت‌پذیری جهانی کشورها از ۱۱۴ نماگر استفاده کرده است.

در چارچوب شاخص رقابت‌پذیری جهانی، در مرحله اول توسعه، نیروی محرکه یک نظام اقتصادی را عوامل تولید تشکیل می‌دهد^۱ و کشورها بر اساس ذخایر عوامل تولید خود - عمدتاً نیروی کار غیرماهر و منابع طبیعی - به رقابت می‌پردازند. شرکتها بر اساس قیمت به رقابت با یکدیگر پرداخته و محصولات یا کالاهای پایه و ابتدایی را می‌فروشند و بهره‌وری پایین آنها در دستمزدهای پایین تجلی می‌یابد. در این مرحله از توسعه، حفظ رقابت‌پذیری عمدتاً به وجود نهادهای عمومی و خصوصی دارای عملکرد مطلوب (مؤلفه اول)، زیرساخت توسعه‌یافته (مؤلفه دوم)، ثبات اقتصاد کلان (مؤلفه سوم) و نیروی کار سالم و باسواد (مؤلفه چهارم) بستگی دارد. وقتی که همراه با ارتقای توسعه، دستمزدها ارتقا می‌یابد، کشورها وارد مرحله دوم توسعه (مبتنی بر کارایی^۲) می‌شوند که در آن باید ایجاد فرایندهای تولید کارآمدتر را شروع کرده و کیفیت محصولات را بالا ببرند. در این مرحله، رقابت‌پذیری به‌طور فزاینده‌ای از کارآموزی و آموزش عالی (مؤلفه پنجم)، بازار کالایی کارآمد (مؤلفه ششم)، بازار کار کارآمد (مؤلفه هفتم)، بازار مالی پیشرفته (مؤلفه هشتم) و توانایی بهره‌برداری از تکنولوژیهای موجود (مؤلفه نهم) نشأت می‌گیرد. سرانجام، وقتی که کشورها به مرحله سوم توسعه (مبتنی بر نوآوری) وارد می‌شوند، حفظ دستمزدهای بالاتر و در نتیجه سطح زندگی آنها زمانی میسر خواهد بود که مؤسسات اقتصادی آنها بتوانند با محصولاتی جدید و منحصر به فرد به رقابت با یکدیگر بپردازند. در این مرحله، شرکتها باید از طریق نوآوری (مؤلفه دوازدهم) با یکدیگر رقابت کرده و با استفاده از پیشرفته‌ترین فرایندهای تولید (مؤلفه یازدهم) به تولید کالاهای جدید و متفاوتی بپردازند. مفهوم مراحل توسعه به این نحو در شاخص رقابت‌پذیری جهانی لحاظ شده که به مؤلفه‌هایی که ارتباط بیشتری با یک کشور خاص با توجه به مرحله خاص توسعه آن دارند، وزن نسبتاً بیشتری داده شده است. به عبارت دیگر، اگرچه هر ۱۲ مؤلفه تا حد معینی برای کلیه کشورها اهمیت دارند، ولی اهمیت نسبی هر یک از این مؤلفه‌ها به سطح خاص توسعه یک کشور بستگی دارد.

جدول (۲): مؤلفه‌های ۱۲ گانه رقابت‌پذیری و الزامات اساسی مراحل سه‌گانه توسعه



ماخذ: گزارش رقابت‌پذیری جهانی مجمع جهانی اقتصاد سالهای ۲۰۱۰-۲۰۱۹.

برای لحاظ کردن این امر، ۱۲ مؤلفه مذکور به سه زیرشاخص تقسیم شده‌اند که هر یک از این سه زیرشاخص نقشی اساسی در سطح خاصی از توسعه دارد: زیرشاخص *الزامات اساسی* شامل مؤلفه‌هایی می‌شود که بیشترین نقش را در کشورهای موجود در سطح اول توسعه (مبتنی بر عوامل تولید) دارند؛ زیرشاخص *تقویت‌کننده‌های کارایی* شامل مؤلفه‌هایی می‌شود که نقشی اساسی در کشورهای موجود در سطح دوم توسعه (مبتنی بر کارایی) دارند؛ و زیرشاخص

1. Factor- Driven Stage

2. Efficiency-Driven

عوامل نوآوری و پیچیدگی هم شامل مؤلفه‌هایی می‌شود که نقشی اساسی در کشورهای موجود در سطح سوم توسعه (مبتنی بر نوآوری) دارند. وزنهای خاصی که به هر یک از سه زیرشاخص بالا در هر مرحله از توسعه لحاظ شده، در جدول زیر نشان داده شده است. برای تعیین این وزنها، برای هر یک از زیرشاخص‌های مذکور در سالهای اخیر، از یک رگرسیون درست‌نمایی بیشینه^۱ برای تولید ناخالص داخلی سرانه استفاده شد تا بتوان ضرایب متفاوت هر مرحله از توسعه را مشخص کرد. گردسازی این تخمین‌های اقتصادسنجی به انتخاب وزنهایی منجر شد که در جدول زیر آمده‌اند. در اینجا باید اضافه نمود سطح توسعه کشورها را بر اساس دو معیار تعیین کرده‌ایم. اولین معیار، سطح تولید ناخالص داخلی سرانه بر اساس نرخهای ارز بازار است. این معیار قابل دسترس به عنوان پراکسی یا نماینده دستمزدها است، زیرا داده‌های قابل مقایسه بین‌المللی در مورد دستمزدها برای کلیه کشورهای تحت پوشش گزارش وجود ندارد.

جدول (۳): وزنهای سه زیرشاخص اصلی در سه مرحله توسعه (درصد)

زیرشاخص	مرحله مبتنی بر عوامل تولید	مرحله مبتنی بر کارایی	مرحله مبتنی بر نوآوری
الزامات اساسی	۶۰	۴۰	۲۰
تقویت‌کننده‌های کارایی	۳۵	۵۰	۵۰
عوامل نوآوری و پیچیدگی	۵	۱۰	۳۰

ماخذ: گزارش رقابت‌پذیری جهانی مجمع جهانی اقتصاد سالهای ۲۰۱۰-۲۰۲۰.

آستانه‌ها یا حدود درامدی برای سطوح توسعه در جدول (۳) درج است. معیار دوم به میزان وابستگی کشورها به عوامل تولید مربوط می‌شود. برای اندازه‌گیری این امر، از سهم صادرات کالاهای معدنی در کل صادرات (کالاهای خدمات) استفاده، و فرض شده کشورهایایی که بیش از ۷۰ درصد صادرات آنها را محصولات معدنی است (بر اساس میانگین یک دوره پنج‌ساله)، تا حد زیادی یک اقتصاد مبتنی بر عوامل تولید است. مطابق گزارش رقابت‌پذیری جهانی، وزن ارکان سه‌گانه رقابت‌پذیری به ترتیب الف) الزامات اساسی و نیازهای پایه، ب) تقویت‌کننده‌ها و ارتقای کارایی و ج) عوامل نوآوری و پیچیدگی با سطح درجه توسعه متفاوت است. بعبارتی هرچه اقتصادی توسعه یافته‌تر باشد، ارتقای کارایی و نوآوری وزن بیشتری خواهد داشت و بالعکس در اقتصادهای توسعه نیافته، وزن مسلط را نیازهای پایه تشکیل می‌دهند. در واقع مولفه ۱۲ گانه را می‌توان مولفه‌های توسعه رقابتی کشورها دانست که اوزان آنها با عنایت به سطح توسعه یافتگی کشورها متفاوت است. کشورهایایی که بین دو سطح توسعه قرار می‌گیرند، کشورهای «در حال گذار» خوانده می‌شوند. وزن این کشورها با ارتقای توسعه آنها و گذار آرام آنها از سطحی به سطح دیگر بتدریج تغییر می‌یابد. با لحاظ کردن این گذار از سطحی به سطح دیگر (بالافزودن وزن حوزه‌هایی که اهمیت آنها برای رقابت‌پذیری کشورهای در حال گذار رو به افزایش است)، رقابت‌پذیری کشورهایایی را که خود را برای گذار به مرحله بعدی توسعه آماده نمی‌کنند، جریمه و تنبیه کند.

جدول (۴): آستانه‌های درامدی سطوح مختلف توسعه

کشورهای منتخب	تعداد کشورها	تولید ناخالص داخلی سرانه (به دلار آمریکا)	سطح توسعه
اغلب از آفریقا و جنوب آسیا از جمله بنگلادش، هند، نیجریه، قرقیزستان، پاکستان، فیلیپین، سری لانکا، تاجیکستان، ویتنام	۴۳	کمتر از ۲۰۰۰	سطح اول: مبتنی بر عوامل تولید
پراکنده در جهان و منطقه منا: الجزایر، آذربایجان، مصر، اندونزی، قزاقستان، مراکش، قطر، عربستان سعودی، سوریه، ونزوئلا	۱۷	۲۰۰۰ - ۳۰۰۰	گذر از سطح اول به سطح دوم
پراکنده در جهان: آرژانتین، برزیل، چین، مالزی، آفریقای جنوبی، تایلند، تونس و اوکراین	۲۷	۳۰۰۰ - ۹۰۰۰	سطح دوم: مبتنی بر کارایی
پراکنده در جهان و شرق اروپا: بحرین، شیلی، مکزیک، عمان، لهستان، رومانی، روسیه و ترکیه	۱۵	۹۰۰۰ - ۱۷۰۰۰	گذر از سطح دوم به سطح سوم
اروپای غربی و آمریکای شمالی: استرالیا، اعضای اتحادیه اروپا، کانادا، اسرائیل، هنگ‌کنگ، ژاپن، کره، سنگاپور، تایوان، امارات، انگلیس و آمریکا	۳۳	بیش از ۱۷۰۰۰	سطح سوم: مبتنی بر نوآوری

ماخذ: گزارش رقابت‌پذیری جهانی مجمع جهانی اقتصاد سالهای ۲۰۱۰-۲۰۲۰.

^۱. maximum likelihood regression

۴- یافته‌ها، بحث و تحلیل اطلاعات (نتایج مطالعه رقابت‌پذیری و توسعه ایران)

۴-۱. نتایج مطالعات تطبیقی رقابت‌پذیری، مولفه‌ها و اجزای آن

نتایج مطالعه تطبیقی شاخص رقابت‌پذیری جهانی و منطقه ای ایران در مقاطع سالانه گویای آن است که: شاخص رقابت‌پذیری جهانی ایران: ایران در سال ۲۰۱۰ در رقابت‌پذیری جهانی با کسب امتیاز با ارزش عددی ۴.۱۴ از ۱۰ در رتبه ۶۹ در بین ۱۳۹ کشور بررسی شده در گزارش رقابت‌پذیری جهانی مجمع جهانی اقتصاد قرار داشت (در وضعیت گذار از مرحله مبتنی بر عوامل تولید به مرحله بهبود کارایی) که هم‌ردیف رومانی ۴.۱۶ (۶۷)، کلمبیا ۴.۱۴ (۶۸)، لتونی ۴.۱۴ (۷۰)، بلغارستان ۴.۱۳ (۷۱) و قزاقستان ۴.۱۳ (۷۱) بود. طی دوره تا قبل از بازنگری شاخص در سال ۲۰۱۷-۱۸، همچنان رتبه ۶۹ احراز کرده بود. البته طی این مدت شاخص رقابت‌پذیری با رکورد رتبه ۸۳ برای سال ۲۰۱۴-۱۵ پرنوسان بوده است^۱. منتهی با بازبینی شاخص رقابت‌پذیری در سال ۲۰۱۸، و اهمیت یافتن مولفه های نرم، در دو سال ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ شاخص رقابت‌پذیری ایران، به رتبه ۸۹ و ۹۹ تنزل یافته است. از مطالعه شکاف شاخص رقابت‌پذیری ایران در مقیاس جهانی (رتبه برتر جهان) و منطقه ای (ترکیه) گویای آن است شکاف شاخص رقابت‌پذیری ایران به ویژه بعد از بازنگری روبه افزایش گذاشته است به طوری که شکاف شاخص در سال ۲۰۱۹ ایران با رتبه برتر جهان به ۳۷.۵ درصد و با رتبه برتر منطقه به ۱۴.۷ درصد رسیده است. مطابق اطلاعات جدول (۵)، بهترین رتبه ایران در شاخص رقابت‌پذیری جهانی برای دو سال قبل از شروع تحریم‌ها (۱۳۹۰) و سال نخست پس‌ابرجام (۱۳۹۶)، که تعدادی موثری از ۱۲ مولفه ثبات نسبی داشتند، رخ داده است. در مقابل، بدترین رتبه ایران در GCI با ۹۹ در سال ۱۳۹۸ با تشدید تحریم‌ها و بی‌ثباتی مولفه‌ها رخ داده است.

جدول (۵): تحلیل شکاف رقابت‌پذیری (GCI) ایران در مقایسه با بهترین عملکرد منطقه‌ای و جهانی

شرح	برنامه توسعه	تعداد کشور	ایران			عملکرد به رتبه برتر (۱) جهان			عملکرد ایران به رتبه برتر منطقه: ترکیه			
			رتبه	تغییررتبه	امتیاز	تغییر امتیاز	کشور	امتیاز	نشانکاف	رتبه	امتیاز	
۱۳۸۹-۹۰ (۲۰۱۰-۱۱)	سال ۵ برنامه توسعه ۴	۱۳۹	۶۹	...	۴.۱۴	...	سوئیس	۵.۶۳	۷۳.۵ (۲۶.۵)	۴.۲۵ (۰)	۶۱ (۰)	۹۷.۴ (۲.۶)
۱۳۹۲-۹۳ (۲۰۱۳-۱۴)	سال ۲ برنامه توسعه ۵	۱۴۸	۸۲	-۱۳	۴.۰۷	-۰.۰۷	سوئیس	۵.۵۷	۷۳.۱ (۲۶.۹)	۴.۴۵ (۰)	۴۴ (+۱۷)	۹۱.۵ (۸.۵)
۱۳۹۳-۹۴ (۲۰۱۴-۱۵)	سال ۳ برنامه توسعه ۵	۱۴۴	۸۳	-۱	۴.۰۳	-۰.۰۴	سوئیس	۵.۷۰ (+۰.۱۳)	۷۰.۷ (۲۹.۳)	۴.۴۶ (۰)	۴۵ (-۱)	۹۰.۴ (۹.۶)
۱۳۹۳-۹۴ (۲۰۱۵-۱۶)	سال ۴ برنامه توسعه ۵	۱۴۰	۷۴	+۹	۴.۰۹	+۰.۰۶	سوئیس	۵.۷۶ (+۰.۰۶)	۷۱.۰ (۲۹.۰)	۴.۳۷ (۰)	۵۱ (-۶)	۹۳.۶ (۶.۴)
۱۳۹۴-۹۵ (۲۰۱۶-۱۷)	سال ۵ برنامه توسعه ۵	۱۳۸	۷۶	-۲	۴.۱۲	+۰.۰۳	سوئیس	۵.۸۱ (+۰.۰۵)	۷۰.۹ (۲۹.۱)	۴.۳۹ (۰)	۵۵ (-۴)	۹۳.۸ (۶.۲)
۱۳۹۵-۹۶ (۲۰۱۷-۱۸)	سال ۱ برنامه توسعه ۶	۱۳۷	۶۹	+۷	۴.۲۷	+۰.۱۵	سوئیس	۵.۸۶ (+۰.۰۵)	۷۲.۹ (۲۷.۱)	۴.۴۲ (۰)	۵۲ (+۲)	۹۶.۶ (۳.۴)
۱۳۹۶-۹۷ (۲۰۱۸)	سال ۲ برنامه توسعه ۶	۱۴۰	۸۹	-۱	۵۴.۹	+۰.۴	آمریکا	۸۵.۶ (+۰.۸)	۶۴.۱ (۳۵.۹)	۶۱.۶ (+۰.۱)	۶۱ (-۲)	۸۹.۱ (۱۰.۹)
۱۳۹۷-۹۸ (۲۰۱۹)	سال ۳ برنامه توسعه ۶	۱۴۱	۹۹	-۱۰	۵۳.۰	-۱.۹	سنگاپور	۸۴.۸ (+۱.۳)	۶۲.۵ (۳۷.۵)	۶۲.۱ (+۰.۵)	۶۱ (۰)	۸۵.۳ (۱۴.۷)

Source: WEF, GCI, 2008-2021. (wef.org)

جدول (۶) شکاف شاخص رقابت‌پذیری ایران را در مقایسه با کشورهای صنعتی تراز نخست و منتخبی از کشورهای نوظهور و تازه صنعتی شده نسل نخست و دوم را طی چهار مقطع سالانه در یک دهه اخیر از ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹ را ارایه می‌دهد. مطابق این اطلاعات، نتیجه می‌شود که طی دو مقطع اول دوره با شاخص رقابت‌پذیری بازبینی نشده، ایران بالاترین شکاف از مجموعه کشورهای صنعتی با سوئیس، آمریکا، آلمان و ژاپن، با بیش از ۲۰ درصد مواجه بوده است. حال آنکه با شاخص رقابت‌پذیری بازبینی شده در دو مقطع اخیر ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹، شکاف شاخص رقابت‌پذیری ایران با آن کشورها، با بیش از ۳۵ درصد رو به افزایش گذاشته است. همچنین طی دو مقطع اول دوره با شاخص رقابت

^۱ نظر به تعداد کشورها از ۱۳۸ تا ۱۴۸ کشور در طی دوره مورد بحث از ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹، احتمالاً در جایابی و تغییر رتبه ایران بی‌تاثیر نبوده باشد. همچنین تغییر در کمیت و کیفیت شاخص‌ها و متغیرهای تشکیل دهنده ۱۲ مولفه رقابت‌پذیری از ۲۰۱۷، در این جایابی تاثیر دارد. با این وجود، با تعداد کشورهای یکسان در ابتدا و انتهای دوره، کاهش ۳۰ رتبه‌ای جایگاه ایران، شکاف در شاخص‌های نرم بوده است.

پذیری بازبینی نشده، ایران بالاترین شکاف با کشورهای تازه صنعتی شده و نوظهور نسل نخست و دوم با کره جنوبی و مالزی، با بیش از ۱۵ درصد شکاف مواجه بوده است. حال آنکه با شاخص رقابت‌پذیری بازبینی شده در دو مقطع اخیر ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹، شکاف شاخص رقابت‌پذیری ایران با آن دو، به بیش از ۲۵ درصد روبه افزایش گذاشته است.

جدول (۶): شکاف شاخص رقابت‌پذیری (GCI) ایران در مقایسه با کشورهای منتخب نوظهور تازه صنعتی شده: ۱۹-۲۰۱۰

کشور	۲۰۱۰-۱۱ (۱۳۸۹)			۲۰۱۷-۱۸ (۱۳۹۶)			۲۰۱۸-۱۹ (۹۷)			۲۰۱۹-۲۰۲۰ (۹۸)		
	رتبه	امتیاز	شکاف	رتبه	امتیاز	شکاف	رتبه	امتیاز	شکاف	رتبه	امتیاز	شکاف
۱. سوئیس	۱	۵.۶۳	۷۳.۵	۱	۵.۸۶	۷۲.۹	۴	۸۲.۶	۶۶.۵	۴	۸۲.۳	۶۴.۴
۲. آلمان	۵	۵.۳۹	۷۶.۸	۵	۵.۶۵	۷۵.۶	۳	۸۲.۸	۶۶.۳	۷	۸۱.۸	۶۴.۸
۳. آمریکا	۴	۵.۴۳	۷۶.۲	۲	۵.۸۵	۷۳.۰	۱	۸۵.۶	۶۴.۱	۲	۸۳.۷	۶۳.۲
۴. ژاپن	۶	۵.۳۷	۷۷.۱	۹	۵.۴۹	۷۷.۸	۵	۸۲.۵	۶۶.۵	۶	۸۲.۳	۶۴.۴
۵. چین	۲۷	۴.۸۴	۸۵.۵	۲۷	۵.۰۰	۸۵.۴	۲۸	۷۲.۶	۷۵.۶	۲۸	۷۳.۹	۷۱.۷
۶. کره جنوبی	۲۳	۴.۹۲	۸۴.۱	۲۶	۵.۰۷	۸۴.۲	۱۵	۷۸.۸	۶۹.۴	۱۳	۷۹.۶	۶۶.۶
۷. مکزیک	۶۶	۴.۱۹	۹۸.۸	۵۱	۴.۴۴	۹۶.۲	۴۶	۶۶.۶	۸۵.۰	۴۸	۶۴.۹	۸۱.۷
۸. برزیل	۵۸	۴.۲۸	۹۶.۷	۸۰	۴.۱۴	۱۰۳.۱	۷۲	۵۹.۵	۹۲.۳	۷۱	۶۰.۹	۸۷.۰
۹. آرژانتین	۸۷	۳.۹۵	۱۰۴.۸	۹۲	۳.۹۵	۱۰۸.۱	۸۱	۵۷.۵	۹۵.۵	۸۳	۵۷.۲	۹۲.۷
۱۰. هند	۵۱	۴.۳۳	۹۵.۶	۴۰	۴.۵۹	۹۲.۰	۵۸	۶۲.۰	۸۸.۵	۶۸	۶۱.۴	۸۶.۲
۱۱. مالزی	۲۶	۴.۸۸	۸۴.۸	۲۳	۵.۱۷	۸۲.۶	۲۵	۷۴.۴	۷۳.۸	۲۷	۷۴.۶	۷۱.۰
۱۲. اندونزی	۴۴	۴.۴۳	۹۳.۵	۳۶	۴.۶۸	۹۱.۲	۴۵	۶۴.۹	۸۴.۶	۵۰	۶۴.۶	۸۲.۰
۱۳. ترکیه	۶۱	۴.۲۵	۹۷.۴	۵۳	۴.۴۲	۹۶.۶	۶۱	۶۱.۶	۸۹.۱	۶۱	۶۲.۱	۸۵.۲
۱۴. تایلند	۳۸	۴.۵۱	۹۱.۸	۳۲	۴.۷۲	۹۰.۵	۳۸	۶۷.۵	۸۱.۳	۴۰	۶۸.۱	۷۷.۸
۱۵. تونس	۳۲	۴.۶۵	۸۹.۰	۹۵	۳.۹۳	۱۰۸.۷	۸۷	۵۵.۶	۶۸.۷	۸۷	۵۶.۴	۹۴.۰
۱۶. ویتنام	۵۹	۴.۲۷	۹۶.۹	۵۵	۴.۳۶	۹۷.۹	۷۷	۵۸.۱	۹۴.۵	۶۷	۶۱.۵	۸۶.۲
۱۷. ایران	۶۹	۴.۱۴	۱۰۰	۶۹	۴.۲۷	۱۰۰	۸۹	۵۴.۹	۱۰۰.۰	۹۹	۵۳.۰	۱۰۰.۰
تعداد کل کشورها	۱۳۹			۱۳۷			۱۴۰			۱۴۱		

SOURCE: UNIDO, CIPI, 1990-2021. (unido.org).

مولفه‌های کاهنده و بهبوددهنده شاخص رقابت‌پذیری: وضعیت ایران در سال ۲۰۱۰ در ۱۲ مولفه تشکیل دهنده رقابت‌پذیری بشرح جدول (۷) بوده است که در این بین، ایران در ۲ مولفه کارایی بازار کار (۳.۳۷) (۱۳۵)) و بازار مالی پیشرفته (۳.۲۹) (۱۲۰)) از ۱۲ مولفه، ضعیف‌ترین وضعیت را داشته، و در مقابل، در ۲ مولفه ثبات محیط اقتصادکلان (۴.۹۶) (۴۵)) و اندازه بازار (۵.۰۹) (۲۰)) بهترین وضعیت را احراز کرده بود. در واقع، دو مولفه بازار کار و بازار مالی وضعیت شاخص رقابت‌پذیری ایران را در جهان بشدت کاهش داده و در مقابل دو مولفه ثبات محیط اقتصادکلان و اندازه بازار شاخص رقابت‌پذیری ایران را در جهان به طور موثری بهبود داده بود. اما با سقوط ۳۰ رتبه‌ای رتبه ایران در سال ۲۰۱۹، در ۶ مولفه از ۱۲ مولفه، از جمله کارایی بازار کار (۱۴۰)، ثبات محیط اقتصادکلان (۱۳۴)، بازار محصول (۱۳۳)، پویایی محیط کسب و کار (۱۳۲)، و نظام مالی و بازار مالی پیشرفته (۱۲۳) و نهادها (۱۲۰) شاهد افت بی‌سابقه بوده است. در واقع، تنزل و افول مولفه‌های رقابت‌پذیری از جمله این ۶ مولفه، جایگاه رقابت‌پذیری ایران، با ۳۰ رتبه تنزل، شدیداً تضعیف شده است.

تغییر جایگاه ایران در GCR4.0: مطابق جدیدترین گزارش رقابت‌پذیری مجمع جهانی اقتصاد در دو سال ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹، ایران با کسب نمره ۵۴/۹ و ۵۳.۰ از ۱۰۰ توانسته جایگاه ۸۹ و ۹۹ شاخص جدید رقابت‌پذیری جهانی را در میان ۱۴۰ اقتصاد جهان را به خود اختصاص دهد^۲. در گزارش سال ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ که در آن از معیار جدیدی با عنوان

^۱ کشورهای تازه صنعتی شده نسل نخست (شامل ۸ کشور کره جنوبی، مکزیک، آرژانتین، برزیل، هند، هنگ کنگ، تایوان و سنگاپور) و نسل دوم (شامل اندونزی، ترکیه، مالزی، فیلیپین، تایلند، کلمبیا، مراکش و تونس)، تنها ۵ کشور (آرژانتین، برزیل، هند، مکزیک و جمهوری کره) و ۵ کشور (اندونزی، تایلند، مالزی، تونس و ترکیه) عضو گروه ۲۰، برای مقایسه با ایران در این جدول درج است.

^۲ گزارش رقابت‌پذیری جهانی ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ در ۱۲ مولفه اصلی و در مجموع نیز از ۹۸ و ۱۰۲ زیرشاخص برای محاسبه این ۱۲ مولفه و در نهایت شاخص کل استفاده شده است. ترکیبی از داده‌های سازمان‌های بین‌المللی و نظرسنجی از نخبگان «مجمع جهانی اقتصاد» مبنای داده‌ای این محاسبات است. همان طوری که قبلاً یادآوری شد ۱۱۴ متغیری که در گزارش‌های پیشین (تا قبل از سال ۲۰۱۷) رقابت‌پذیری جهانی مجمع جهانی اقتصاد، ۱۲ مولفه و شاخص‌های رقابت‌پذیری جهانی را تشکیل می‌دادند، در گزارش جدید به ۹۸ و ۱۰۲ متغیر کاسته شده که از این میان ۶۴ متغیر جدید هستند. همچنین، وزن اطلاعات حاصل از نظرسنجی از مدیران اجرایی بنگاه‌های اقتصادی از ۷۰ به ۳۰ درصد کاهش و ۷۰ درصد امتیازات براساس داده‌های آماری کشورها اندازه‌گیری می‌شود.

«شاخص جهانی رقابت‌پذیری ۴/۰» برای ارزیابی بهره‌وری و رقابت‌پذیری اقتصادها استفاده شده، جایگاه ایران در مقایسه با سال ۲۰۱۰، ۲۰ و ۳۰ رتبه تنزل دارد.

رتبه ۱۲ مولفه GCI ایران: این ۱۲ مولفه عبارتند از: «نهاده‌ها»، «زیرساخت»، «به‌کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات»، «ثبات محیط اقتصاد کلان»، «سلامت»، «مهارت‌ها»، «بازار محصول»، «بازار نیروی کار»، «نظام مالی»، «اندازه بازار»، «پویایی کسب‌وکار» و «توانایی نوآوری». در گزارش جهانی رقابت‌پذیری ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ در شاخص کل، ایران با کسب نمره ۵۴/۹ و ۵۳/۰ توانست در جایگاه ۸۹ و ۹۹ قرار گیرد. با لحاظ این نکته که در این گزارش از معیاری جدید برای ارزیابی رقابت استفاده شده، رتبه ایران نسبت به گزارش ۲۰۱۰، ۲۰ و ۳۰ پله تنزل یافته است. البته وضعیت ایران در هر یک از ۱۲ مولفه با اهمیت دارد. در این باره ایران در سال ۲۰۱۹ نسبت به ۲۰۱۸ در مولفه «نهاده‌ها» با نمره ۴۲/۵ در رتبه ۱۲۱، در مولفه «زیرساخت» با ۶۴/۸ در رتبه ۸۰، در مولفه «به‌کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات» با ۵۰/۸ در رتبه ۸۴، در مولفه «ثبات اقتصاد کلان» با ۵۲/۲ در رتبه ۱۳۴، در مولفه «سلامت» با ۸۰/۴ در رتبه ۷۲، در مولفه «مهارت‌ها» با ۵۷/۹ در رتبه ۹۲، در مولفه «بازار کالا» با ۴۱/۶ در رتبه ۱۳۳، در مولفه «بازار نیروی کار» با ۴۱/۳ در رتبه ۱۴۰، در مولفه «نظام مالی» با ۴۷/۵ در رتبه ۱۲۳، در مولفه «اندازه بازار» با ۷۴/۱ در رتبه ۲۱، در مولفه «پویایی کسب‌وکار» با ۴۴/۳ در رتبه ۱۳۲ و در مولفه «توانایی نوآوری» با ۳۸/۰ در رتبه ۷۱ جهان قرار گرفته است.

جدول (۷): جایگاه جهانی رقابت‌پذیری ایران در مقایسه با بهترین کشور در دهه ۲۰۱۰-۲۰۱۹

رتبه نخست برتر جهان	رتبه (تغییر)				نمره و امتیاز ارزش عددی (تغییر)			شرح	
	۲۰۱۹	۲۰۱۸	۲۰۱۶	۲۰۱۰	۲۰۱۹	۲۰۱۸	۲۰۱۰	مولفه‌های ۱۲ گانه	حوزه کلی
ایالات متحده	(-۱۰) ۹۹	(-۲۰) ۸۹	(-۵) ۷۴	۶۹	(-۱.۹) ۵۳.۰	(+) ۵۴/۹		شاخص کلی رقابت‌پذیری جهانی	
فنلاند	(+) ۱۲۰	(-۳۹) ۱۲۱	(+) ۷۲	۸۲	(-۱.۸) ۴۲.۵	(+) ۴۴/۳	۳۷/۴	(۱) نهاده‌ها	(I) الزامات و نیازهای اساسی
سنگاپور	(-) ۸۰	(-) ۷۶	(+) ۶۷	۷۴	(-) ۶۴.۸	(-) ۶۵/۴	۳۷/۵	(۲) زیرساخت‌ها	(I) الزامات و نیازهای اساسی
کره جنوبی	(-) ۸۴	(+) ۸۰	(-) ۱۰۴	۸۷	(+) ۵۰.۸	(+) ۴۷/۶	۳۸/۰	(۳) آمادگی تکنولوژیکی (اطلاق پذیری ICT)	(محیط کمکی)
کشور ۳۳	(-) ۱۳۴	(-) ۱۱۷	(+) ۲۷	۴۵	(-) ۱۴.۷) ۵۲.۲	(+) ۶۶/۹	۴۹/۶	(۴) ثبات محیط اقتصاد کلان	
کشور ۴	(+) ۷۲	(-) ۸۴	(+) ۵۰	۵۴	(+) ۸۰.۴	(+) ۷۷/۵	۵۸/۹	(۵) سلامت (پیدا شد و آموزش ابتدایی)	(II) سرمایه
سوئیس	(-) ۹۲	(+) ۹۱	(+) ۸۹	۹۸	(+) ۵۷.۹	(-) ۵۷/۰	۳۸/۰	(۶) مهارت‌ها (آموزش عالی و حرفه‌ای)	انسانی
هنگ کنگ	(+) ۱۳۳	(-) ۱۳۴	(-) ۱۰۳	۹۸	(-) ۴۱.۶	(-) ۴۲/۰	۳۸/۵	(۷) کارایی بازار کالا (محصول)	(III) بازارها
سنگاپور	(-) ۱۴۰	(-) ۱۳۶	(-) ۱۳۹	۱۳۵	(-) ۴۱.۳	(-) ۴۳/۱	۳۳/۷	(۸) بازار نیروی کار	
هنگ کنگ	(-) ۱۳۳	(+) ۹۸	(-) ۱۲۳	۱۲۰	(-) ۴۷.۵	(-) ۵۲/۵	۳۲/۹	(۹) نظام / بازارهای مالی	
چین	(-) ۲۱	(+) ۱۹	(-) ۲۱	۲۰	(-) ۷۴.۱	(+) ۷۴/۵	۵۰/۹	(۱۰) اندازه بازار	
ایالات متحده	(-) ۱۳۳	(-) ۱۱۹	(-) ۹۲	۸۲	(-) ۵.۷) ۴۴.۳	(-) ۵۰/۰	۳۳/۴	(۱۱) پویایی محیط کسب و کار	(IV) اکوسیستم نوآوری
آلمان	(-) ۷۱	(+) ۶۵	(+) ۷۰	۹۱	(-) ۳۸.۰	(+) ۳۷/۶	۲۵/۶	(۱۲) توانایی نوآوری	

ماخذ: نتایج تحقیق به نقل از گزارش رقابت‌پذیری جهانی مجمع جهانی اقتصاد سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۲۰. گفتنی است تعداد کشورها در سال ۲۰۱۰ تعداد ۱۴۰ کشور، در سال ۲۰۱۶ تعداد ۱۴۰ کشور، ۲۰۱۸ تعداد ۱۴۰ کشور و در سال ۲۰۱۹ تعداد ۱۴۱ کشور بوده است.

بالاترین و پایین‌ترین رتبه ایران در ۱۲ مولفه GCI: در دو سال ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ بهترین و بدترین رتبه را ایران به ترتیب در شاخص اندازه بازار با جایگاه ۱۹ و ۲۱ و در بازار نیروی کار با جایگاه ۱۳۶ و ۱۴۰ کسب کرده است. در دو سال ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹، ایران در ۶ مولفه شامل کارایی بازار کار، بازار محصول، پویایی کسب و کار، نهاده‌ها، ثبات محیط اقتصاد کلان و نظام تامین مالی ضعیف‌ترین وضعیت را داشته، و در مقابل، تنها در یک مولفه اندازه بازار بهترین وضعیت را احراز کرده است. بدین ترتیب این ۶ مولفه وضعیت شاخص رقابت‌پذیری ایران را در جهان بشدت کاهش داده و در مقابل تنها مولفه اندازه بازار شاخص رقابت‌پذیری ایران را در جهان به‌طور موثری بهبود داده است. البته بیم آن می‌رود که چشم‌انداز آتی مولفه‌ها از جمله مولفه اندازه بازار ایران با تکان‌های غیرکنترلی روبه‌و خامت گذارد.

۲-۴) مولفه‌های رقابت‌پذیری از جنبه ورودی و خروجی

مؤلفه‌های ۱۲ گانه رقابت را می‌توان از منظر نظام‌مند (سیستماتیک)، در سه قلمرو ورودی، پردازشی و خروجی دسته‌بندی کرد. ۳ مؤلفه (شامل زیرساخت‌ها، سلامت (بهداشت و آموزش ابتدایی) و مهارت‌ها (آموزش عالی و حرفه‌ای)، به‌عنوان ورودی‌ها، ۷ مؤلفه (شامل اندازه بازار، نهادها، ثبات محیط اقتصادکلان، کارایی بازار کالا، بازارهای مالی، پویایی کسب و کار و آمادگی تکنولوژیکی) به‌عنوان پردازشی‌ها و دو مؤلفه (شامل: کارایی بازار نیروی کار و نوآوری) به‌عنوان خروجی‌ها مطرح کرد. با این دسته‌بندی در سه طیف ورودی‌ها، پردازش‌ها و خروجی‌ها، این مؤلفه‌ها تبیین می‌شود:

۱) با مشاهده وضعیت رتبه کل رقابت‌پذیری اقتصاد ایران در دهه گذشته، این نکته به دست می‌آید که رتبه جهانی ایران در رده متوسط، و در طی دوره رو به تنزل (پایین) بوده است. اما رتبه ایران در شاخص‌های ورودی شامل ۳ مؤلفه زیرساخت‌ها، سلامت و مهارت‌ها، اساساً در رده متوسط، و در طی دوره پرنوسان و بعضاً روبه تنزل (پایین) است و رتبه ایران در مؤلفه‌های ۷ گانه پردازشی پیشگفته (به خصوص نهادها، ثبات محیط اقتصادکلان، بازار مالی و بازار کالا) و سپس دو مؤلفه خروجی (بازار نیروی کار و توانایی نوآوری) در رده پایین (وضعیت نامناسبی) ارزیابی می‌شود. این امر نشان از چالش مدیریت در کشور دارد. به این معنی که مدیریت کشور در ناحیه پردازشی دچار چالش‌های اساسی است و از این رو نه تنها نمی‌تواند از شاخص‌های ورودی (داده‌ها) برای بهبود وضعیت بهره‌گیری کند، بلکه موجب کاهش رتبه در بسیاری از مؤلفه‌های پردازشی و مؤلفه‌های خروجی (ستاندها) شده است. عدم توازن و تناسب میان ستانده و داده، گویای ضعف بهره‌وری و کارایی نظام اقتصادی کشور دارد. رفع ضعف و کاستی بنیادی مزبور، مربوط به کیفیت سیاست‌گذاری‌های نخبگان سیاسی است که تبیین آنها مباحث جداگانه‌ای را طلب می‌کند.

۲) گفتنی است که در سال‌های اخیر (از سال ۲۰۱۷)، گزارش رقابت‌پذیری جهانی با رویکرد جدید تهیه شده است. در رویکرد جدید وضعیت مواجهه و انطباق کشورها با روند انقلاب صنعتی چهارم مورد ارزیابی است. این امر موجب شده رتبه کلی ایران دچار تنزل شدید شود. در این راستا وضعیت رقابت اقتصاد ایران در سال ۲۰۱۶، رتبه ۷۴ از میان ۱۴۰ کشور بوده است، اما براساس رویکرد جدید رتبه ایران در گزارش رقابت‌پذیری مجمع جهانی اقتصاد برای سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ به رتبه ۸۹ و ۹۹ تنزل پیدا کرده است. تنزل ۳۰ رتبه‌ای ایران در سال‌های ۲۰۱۰ - ۲۰۱۹، گویای انعطاف‌ناپذیری اقتصاد ایران برای تطبیق با تغییرات ناشی از انقلاب صنعتی چهارم است. کاهش رتبه رقابت‌پذیری اقتصاد ایران با رویکرد پیشین و جدید، عمدتاً به ناحیه پردازشی مربوط می‌شود. از میان شاخص‌های ۷ گانه این ناحیه، وضعیت رتبه‌ها در شاخص‌های «ثبات اقتصادکلان»، «نهادها»، «مهارت‌ها» و «پویایی کسب و کار» بمراتب نامناسب‌تر است. در ادامه اجمالاً مؤلفه‌هایی که تنزل قابل توجه برای اقتصاد ایران رخ داده است، اشاره می‌شود.

۳) **مؤلفه وضعیت ثبات اقتصاد کلان** بدترین رتبه را دارد. کانون اصلی این مؤلفه، به دو مؤلفه (تورم و بدهی دولت) بازگشت دارد. با توجه به افزایش نرخ تورم در سال‌های اخیر، مؤلفه ثبات اقتصاد کلان، بدترین رتبه را پیدا کرده و رتبه ۱۳۴ را کسب کرده است. رتبه نامناسب محیط اقتصادکلان، نشان‌دهنده وجود فضای نااطمینانی و پیش‌بینی‌ناپذیری سرمایه‌گذاری‌ها و فعالیت‌های مولد اقتصادی است.

۴) **مؤلفه نهاد دلالیت** بر وضعیت قواعد، مقررات، سازمان‌ها و دستگاه‌های اجرایی دارد که بر رفتار بازیگران، انگیزه‌های سرمایه‌گذاری و تولید برای فعالان اقتصادی اثرگذار است. متأسفانه به سبب زمینه‌های ضدانگیزشی و نااطمینانی در حوزه سرمایه‌گذاری و تولید، ایران در رکن نهادها تنزل رتبه داشته است.

۵) **مؤلفه مهارت‌ها**، در رویکرد جدید، جایگزین رکن «آموزش عالی و حرفه‌ای» شده است. در رویکرد جدید، بیش از آنکه کمیت آموزش و تحصیلات تکمیلی مورد توجه باشد، به کیفیت مهارت نیروی انسانی تأکید می‌شود. بنابراین رتبه آن، از نقاط ضعف اساسی با وجود سطح بالای آموزش تکمیلی نمایان می‌سازد.

۶) **پویایی کسب‌وکار** گویای عدم فضای رقابتی ایران در کسب‌وکارهاست. رتبه ایران در این مولفه تنزل کرده است. برای بهبود توانایی رقابت‌پذیری بر اساس رویکرد جدید، باید در جهت ایجاد ثبات اقتصادکلان و تقویت نهادها، به‌ویژه جهت ایجاد انگیزه برای سرمایه‌گذاران، رفع موانع فعالیت‌ها، بهبود پاسخ‌گویی و تقویت توانایی دولت، مواجهه فعالانه با روند تغییرات آینده (خصوصاً در عرصه فناوری)، افزایش مهارت‌های نیروی کار و کاهش موانع ورود و خروج کسب‌وکارها تلاش کرد. کانون تمامی اقدامات بهبود، مربوط به اتخاذ تدابیر مناسب مربوط به کاهش نرخ تورم می‌شود. این امر موجب ارتقای رتبه در شاخص‌های مربوط به قلمرو «پردازش» خصوصاً در ثبات اقتصادکلان و وضعیت نهادهاست.

۷) از دیگر مولفه‌های مهم در رویکرد جدید رقابت‌پذیری کشورها، **وضعیت فناوری** است. کاهش رتبه ایران در این مولفه گویای عقب‌افتادگی اقتصادملی از زنجیره ارزش تولید جهانی است. نماد عقب‌ماندگی از زنجیره ارزش تولید جهانی خود را در کاهش رتبه **نوآوری** کشور نشان داده است. کاهش تدریجی مولفه نوآوری در این سال‌ها، گویای چالش‌ها در خصوص مواجهه با انقلاب صنعتی چهارم است.

۸) ایران در منطقه، رتبه هفدهم نوآوری را دارد، حال آنکه طبق ماده ۲۲ قانون برنامه ششم توسعه مصوب ۱۳۹۵، دولت مکلف است رتبه ایران را در رقابت‌پذیری جهانی به جایگاه سوم در میان کشورهای منطقه ارتقا دهد؛ بنابراین از این بابت شکاف در خور توجهی بین اهداف و عملکردها وجود دارد.

۹) در مجموع در چارچوب و رویکرد جدیدی که مجمع جهانی اقتصاد برای سنجش رقابت‌پذیری اقتصادی کشورها ارائه کرده، ایران توانایی کمتری برای رقابت‌پذیری اقتصادی با سایر کشورها دارد که رفع آنها محتاج اتخاذ تصمیمات سخت و سیاست‌گذاری‌های درست است.

۳-۴) **مختصات راهبرد توسعه ایران (با محوریت ارتقای رقابت‌پذیری در میان مدت)**

با دقت در امتیاز (ارزش عددی) و رتبه ۱۲ مولفه پیش گفته نتیجه می‌شود یکایک آن ۱۲ مولفه در بهبود شاخص رقابت‌پذیری بسیار بااهمیت هستند، منتهی نظر به امتیاز (ارزش عددی) و رتبه پایین ایران در ۶ مولفه نخست، افزایش ارزش عددی و ارتقای رتبه آنها، در ارتقای شاخص رقابت‌پذیری ایران موثرتر هستند. در جدول (۷) مختصات راهبرد ارتقای رقابت‌پذیری ایران در میان مدت ۵ ساله برنامه هفتم توسعه در ۱۲ مولفه کلیدی تبیین کننده و ۱۰۴ زیر شاخص آن درج شده است. مطابق اطلاعات جدول (۹) نتیجه می‌شود که:

عمده مولفه‌های کلیدی در بهبود شاخص رقابت‌پذیری ایران بترتیب الویت و اهمیت ارتقا عبارتست از:

۱. بازار نیروی کار با رتبه ۱۴۰ و امتیاز (ارزش عددی) ۴۱.۳

۲. ثبات محیط اقتصاد کلان با رتبه ۱۳۴ و امتیاز (ارزش عددی) ۵۲.۲

۳. بازار محصول با رتبه ۱۳۳ و امتیاز (ارزش عددی) ۴۱.۶

۴. پویایی کسب و کار با رتبه ۱۳۲ و امتیاز (ارزش عددی) ۴۴.۳

۵. نظام و بازار تامین مالی با رتبه ۱۲۳ و امتیاز ۴۷.۵

۶. نهادها با رتبه ۹۹ و امتیاز (ارزش عددی) ۵۳.۰

۷. مهارت‌ها و آموزش عالی با رتبه ۹۲ و امتیاز (ارزش عددی) ۵۷.۹

۸. فناوری اطلاعات و ارتباطات با رتبه ۸۴ و امتیاز ۵۰.۸

۹. زیرساخت‌ها با رتبه ۸۰ و امتیاز (ارزش عددی) ۶۴.۸

۱۰. بهداشت و سلامت با رتبه ۷۲ و امتیاز (ارزش عددی) ۸۰.۴

۱۱. توانایی نوآوری با رتبه ۷۱ و امتیاز (ارزش عددی) ۳۸.۰

۱۲. اندازه بازار با رتبه ۲۱ و امتیاز (ارزش عددی) ۷۴.۱

جدول (۷): مختصات راهبرد ارتقای رقابت‌پذیری ایران در میان مدت ۵ ساله برنامه هفتم توسعه (۴۰ رتبه بهبود و هم رتبه با ترکیه) در ۱۲ مولفه و ۱۰۴ شاخص ایران و هدفگذاری و اولویت بندی ارتقای آن شاخصها					
هدفگذاری و اولویت بندی ارتقا		رتبه (تغییر)	نمره (تغییر)	ارزش	شرح
تغییر شاخص	برنامه هدف	(+۹.۱) ۶۴.۱	(-۱.۹) ۵۳.۰	-	شاخص کلی رقابت‌پذیری جهانی
الزامات و نیازهای اساسی (محیط کمکی) (I)					
اولویت ۱		(+۱۱.۴) ۵۳.۹	(-۱.۸) ۴۲.۵	-	(۱) نهادها
امنیت ۱۰۰ تا ۱۰۰					
۱-۱. جرایم سازمان یافته، ۱ تا ۷					
۲-۱. نرخ بی‌خانمانی در هر ۱۰۰۰۰۰					
۳-۱. رخدادهای تروریستی ۱۰۰ تا ۱۰۰					
۴-۱. خدمات پلیس قابل اتکا ۱ تا ۷					
۵-۱. سرمایه اجتماعی ۱۰۰ تا ۱۰۰					
۶-۱. شفافیت بودجه ۱۰۰ تا ۱۰۰					
۷-۱. استقلال قضایی ۱ تا ۷					
۸-۱. کارایی نظام حقوقی در به چالش کشیدن مقررات، ۱ تا ۷					
۹-۱. آزادی انتشار، ۱۰۰ تا ۱۰۰					
عملکرد بخش عمومی، ۱۰۰ تا ۱۰۰					
۱۰-۱. فشار مقررات دولتی، ۱ تا ۷					
۱۱-۱. کارایی نظام حقوقی برای حل و فصل اختلافات، ۱ تا ۷					
۱۲-۱. مشارکت الکترونیکی، ۱ تا ۱					
شفافیت					
۱۳-۱. رخدادهای فساد، ۱۰۰ تا ۱۰۰					
حقوق مالکیت، ۱۰۰ تا ۱۰۰					
۱۴-۱. حقوق مالکیت، ۱ تا ۷					
۱۵-۱. حمایت از حقوق مالکیت فکری، ۱ تا ۷					
۱۶-۱. کیفیت اداری اراضی					
حکمرانی مشارکتی					
۱۷-۱. قدرت استانداردهای حسابرسی و گزارش دهی، ۱ تا ۷					
۱۸-۱. مقررات تعارض منافع، ۱۰ تا ۱۰					
۱۹-۱. حکمرانی منافع سهام‌داران، ۱۰ تا ۱۰					
نگاه روبه آینده دولت، ۱۰۰ تا ۱۰۰					
۲۰-۱. ثبات سیاست دولتی اعتمادساز					
۲۱-۱. تغییر مسئولانه دولت					
۲۲-۱. نظام حقوقی سازگار با الگوی کسب‌وکار دیجیتال، ۱ تا ۷					
۲۳-۱. نگاه بلندمدت دولت، ۱ تا ۷					
۲۴-۱. مقررات کارایی انرژی، ۱۰۰ تا ۱۰۰					
۲۵-۱. مقررات قابل تجدید انرژی، ۱۰۰ تا ۱۰۰					
۲۶-۱. عوامل تهدید مرتبط با محیط زیست،					
اولویت ۱		(+۹.۵) ۷۴.۳	(-۰.۶) ۶۴.۸	-	(۲) زیرساخت‌ها
زیرساخت حمل و نقل					
۱-۲. مواصلات جاده‌ای، ۱۰۰ تا ۱۰۰					
۲-۲. کیفیت زیرساخت جاده، ۱ تا ۷					
۳-۲. چگالی راه‌آهن، کیلومتر در ۱۰۰۰ کیلومتر					
۴-۲. کارایی خدمات قطار، ۱ تا ۷					
۵-۲. مواصلات فرودگاهی					
۶-۲. کارایی خدمات فرودگاهی، ۱ تا ۷					
۷-۲. مواصلات خطوط کشتی، ۱۰۰ تا ۱۰۰					
۸-۲. کارایی خدمات بنادر دریایی، ۱ تا ۷					
زیرساخت رضایت‌مند، ۱۰۰ تا ۱۰۰					
۹-۲. دسترسی برق، درصد از جمعیت					
۱۰-۲. کیفیت عرضه برق، درصد از تولید					
۱۱-۲. آب آشامیدنی ناایمن، درصد از جمعیت					
۱۲-۲. عرضه قابل اتکا آب					
اولویت ۱		(+۷.۰) ۵۷.۸	(-۴) ۸۴	-	(۳) فناوری اطلاعات و ارتباطات سازگار، ۱۰۰ تا ۱۰۰
۱-۳. تلفن همراه، بازای هر ۱۰۰ نفر					
۲-۳. پهناهای پهنای باند همراه، بازای ۱۰۰ نفر					
۳-۳. اینترنت پهنای باند ثابت، بازای ۱۰۰ نفر					
۴-۳. اینترنت فیبر نوری، بازای ۱۰۰ نفر					
۶-۳. کاربران اینترنت، درصد از جمعیت بزرگسال					
(۴) ثبات اقتصاد کلان					
۱-۴. تورم					
۲-۴. پویایی‌های بدهی، ۱۰۰ تا ۱۰۰					
سرمایه انسانی (II)					
اولویت ۱		(+۶.۷) ۸۷.۱	(+۲.۹) ۸۰.۴	-	(۵) بهداشت و سلامت، ۱۰۰ تا ۱۰۰
۱-۵. امید به زندگی با سلامت، سال‌ها					
اولویت ۱		(+۲.۹) ۶۰.۸	(-۱) ۹۲	-	(۶) مهارت‌ها و آموزش عالی
نیروی کار فعلی، ۱۰۰ تا ۱۰۰					
۱-۶. میانگین سالهای آموزش					
مهارت‌های نیروی کار فعلی، ۱۰۰ تا ۱۰۰					
۲-۶. میزان آموزش کارکنان، ۱ تا ۷					
۳-۶. کیفیت آموزش محلی، ۱ تا ۷					
۴-۶. مهارت فارغ التحصیلان، ۱ تا ۷					
۵-۶. مهارت‌های دیجیتالی جمعیت فعال، ۱ تا ۷					
۶-۶. تسهیل شغلیین یا مهارت، ۱ تا ۷					
آینده نیروی کار، ۱۰۰ تا ۱۰۰					

هدفگذاری و اولویت بندی ارتقا برنامه هدف		رتبه (تغییر)	نمره (تغییر)	ارزش	شرح
تغییر شاخص					
		۵۷	۸۲.۷	۱۴.۹	۰۷-۶. زندگی آموزشی مورد انتظار، سال‌ها
		۱۱۵	۳۰.۱	-	مهارت‌های آینده نیروی کار، ۰ تا ۱۰۰
		۱۲۸	۲۶.۷	۲.۶	۰۸-۶. اندیشه اصلی یادگیری، ۱ تا ۷
		۱۰۴	۵۲.۷	۲۸.۵	۰۹-۶. نسبت معلم در آموزش ابتدایی
بازارها (III)					
۷۸ (+۵۵)، اولویت ۱		۱۳۲ (-۱)	۴۱.۶ (-۰.۶)	-	(۷) بازار محصول، ۰ تا ۱۰۰
		۱۱۹	۳۲.۲	-	رقابت داخلی، ۰ تا ۱۰۰
		۱۲۰	۳۰.۶	۲.۸	۰۱-۷. آثار انحرافی مالیاتها و بارانها بر رقابت، ۱ تا ۷
		۶۱	۴۷.۴	۳.۸	۰۲-۷. میزان دامنه بازار، ۱ تا ۷
		۱۲۰	۵۲.۲	۴.۱	۰۳-۷. رقابت در خدمات، ۱ تا ۷
		۱۲۹	۳۹.۸	-	بازبودن تجارت، ۰ تا ۱۰۰
		۱۱۹	۴۹.۴	۴.۰	۰۴-۷. موانع تجاری غیر تعرفه‌ای، ۱ تا ۷
		۱۴۱	۳۰.۰	۲۶.۹۵	۰۵-۷. تعرفه‌های تجاری
		۸۱	۶۹.۴	۵.۲	۰۶-۷. پیچیدگی تعرفه‌ها، ۱ تا ۷
		۷۱	۴۰.۶	۲.۶	۰۷-۷. کارایی شفافیت مرزی، ۱ تا ۵
۱۰۹ (۳۱)، اولویت ۱		۱۴۰ (-۴)	۴۱.۳ (-۱.۸)	-	(۸) بازار نیروی کار
		۱۲۵	۴۵.۲	-	انعطاف‌پذیری، ۰ تا ۱۰۰
		۱۰۵	۶۰.۲	۲۲.۱	۰۱-۸. هزینه‌های اخراج، هفته‌های حقوق
		۱۱۲	۳۸.۸	۳.۳	۰۲-۸. رویه‌های استخدام و اخراج، ۱ تا ۷
		۱۲۲	۳۲.۵	۳.۶	۰۳-۸. همکاری در روابط کارگر کارفرما، ۱ تا ۷
		۱۲۷	۵۲.۱	۴.۲	۰۴-۸. انعطاف در تعیین دستمزدها، ۱ تا ۷
		۱۱۱	۳۴.۷	۲.۵	۰۵-۸. سیاست‌های بازار کار فعال، ۱ تا ۷
		۹۲	۶۴.۰	۶۴.۰	۰۶-۸. حقوق کارگران، ۰ تا ۱۰۰
		۱۲۹	۳۰.۴	۲.۸	۰۷-۸. تسهیل در استخدام نیروی کار خارجی، ۱ تا ۷
		۱۱۶	۴۷.۸	۳.۹	۰۸-۸. تحرک نیروی کار داخلی، ۱ تا ۷
		۱۳۹	۳۷.۵	-	شایستگی و انگیزش، ۰ تا ۱۰۰
		۱۲۵	۳۵.۲	۳.۱	۰۹-۸. اتکا به مدیریت حرفه‌ای، ۱ تا ۷
		۱۲۶	۳۷.۴	۳.۲	۰۱۰-۸. پرداخت و بهره‌وری، ۱ تا ۷
		۱۲۴	۲.۲	۰.۲۲	۰۱۱-۸. نسبت دستمزدهای حقوق زنان به مردان، درصد
		۱۱۲	۷۵.۱	۲۵.۹	۰۱۲-۸. نرخ مالیات نیروی کار، درصد
۶۸ (+۵۵)، اولویت ۱		۱۲۲ (-۲۵)	۴۷.۵ (-۵.۰)	-	(۹) نظام / بازار تامین مالی، ۰ تا ۱۰۰
		۸۸	۳۲.۸	-	تعمیق، ۰ تا ۱۰۰
		۵۳	۶۶.۲	۶۲.۹	۰۱-۹. اعتبار داخلی به بخش خصوصی، درصد از GDP
		۱۲۶	۳۰.۸	۲.۹	۰۲-۹. تامین مالی SMEs، ۱ تا ۷
		۱۲۱	۳۰.۶	۲.۳	۰۳-۹. دسترسی به سرمایه مشترک، ۱ تا ۷
		۶۹	۳۴.۶	۳۴.۶	۰۴-۹. سرمایه‌های شدن بازار، درصد از GDP
		۸۴	۳۱.۵	۱.۳	۰۵-۹. پرمیوم تامین، از GDP
		۱۲۷	۶۶.۰	-	ثبات، ۰ تا ۱۰۰
		۱۲۶	۳۹.۹	۲.۸	۰۶-۹. بانک‌های بی‌صدا، ۱ تا ۷
		۱۱۴	۷۸.۰	۱۱.۴	۰۷-۹. دیون غیر عملکردی
		۱۲۲	۹۳.۷	۴.۴	۰۸-۹. شکاف اعتباری، درصد
		۱۲۱	۶۲.۳	۵.۱	۰۹-۹. نسبت سرمایه تنظیم بانک‌ها، درصد از کل دارایی‌ها
۱۳ (+۶)، اولویت ۱		۲۱ (-۲)	۷۴.۱ (-۰.۴)	-	(۱۰) اندازه بازار
		۱۲۸	...	۱۴۳۲	۰۱-۱۰. تولید ناخالص داخلی، به PPP\$
		۱۲۸	...	۱۵.۹	۰۲-۱۰. واردات کالا و خدمات، درصد از GDP
اکوسیستم نوآوری (IV)					
۷۵ (+۵۷)، اولویت ۱		۱۲۲ (-۱۳)	۴۴.۲ (-۵.۷)	-	(۱۱) یوایی کسب و کار
		۱۲۷	۴۹.۶	-	الزامات اداری، ۰ تا ۱۰۰
		۷۱	۹۹.۲	۱.۲	۰۱-۱۱. هزینه شروع یک کسب و کار، درصد از سرانه GNI
		۱۲۶	۲۷.۶	۷۲.۵	۰۲-۱۱. زمان شروع یک کسب و کار، روزها
		۷۱	۳۹.۹	۳۷.۱	۰۳-۱۱. نرخ پوشش حل اختلاف، به دلار
		۱۲۰	۳۱.۳	۵.۰	۰۴-۱۱. نظام مقررات حل اختلاف، ۰ تا ۱۶
		۱۲۱	۳۹.۱	-	فرهنگ کارآفرینی، ۰ تا ۱۰۰
		۱۲۸	۳۳.۶	۳.۰	۰۵-۱۱. اقتدار بسوی ریسک کارآفرینی، ۱ تا ۷
		۱۲۴	۳۷.۹	۳.۳	۰۶-۱۱. تمایل به تفویض اختیار، ۱ تا ۷
		۹۰	۴۷.۱	۳.۸	۰۷-۱۱. رشد کمیانی‌های نوآور
		۱۱۲	۳۷.۹	۳.۳	۰۸-۱۱. جذابیت حک‌شدگی کمپانی‌ها، ۱ تا ۷
۴۹ (+۲۲)، اولویت ۱		۷۱ (-۶)	۳۸.۰ (-۰.۶)	-	(۱۲) توانایی نوآوری
		۱۲۶	۳۰.۴	-	تعامل و تنوع، ۰ تا ۱۰۰
		۱۲۷	۴۵.۴	۳.۷	۰۱-۱۲. تنوع نیروی کار، ۱ تا ۷
		۹۲	۴۲.۱	۳.۵	۰۲-۱۲. وضعیت توسعه خوشه‌ها، ۱ تا ۷
		۹۰	۲.۲	۰.۰۷	۰۳-۱۲. همکاری مشترک بین‌المللی
		۱۲۴	۳۲.۰	۲.۹	۰۴-۱۲. کالیبراسیون چندملیتی، ۱ تا ۷
		۴۷	۳۵.۹	-	تحقیق و توسعه، ۰ تا ۱۰۰
		۹۱	۸۲.۵	۲۶۱.۰	۰۵-۱۲. انتشارات علمی، امتیاز
		۹۹	۸.۹	۰.۱۱	۰۶-۱۲. کاربردهای اختراع، برای هر ۱ میلیون نفر
		۸۶	۸.۴	۰.۳	۰۷-۱۲. هزینه‌های تحقیق و توسعه، درصد از GDP
		۱۵	۵۰.۹	۰.۲۰	۰۸-۱۲. عملکرد نهادهای تحقیقاتی، ۰ تا ۱۰۰
		۶۲	۵۷.۳	-	تجاری سازی، ۰ تا ۱۰۰
		۸۲	۴۰.۸	۳.۴	۰۹-۱۲. پیچیدگی خریداران، ۱ تا ۷
		۵۳	۷۳.۸	۹۴۸.۸۵	۰۱۰-۱۲. کاربردهای علامت تجاری، برای هر ۱ میلیون نفر

ماخذ: نتایج تحقیق به‌نقل از گزارش رقابت‌پذیری جهانی مجمع جهانی اقتصاد سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۲۰.

۴-۴) مهم‌ترین متغیرها و عوامل کاهنده رقابت‌پذیری ایران در جهان

در ادامه به منظور ارتقای شاخص رقابت‌پذیری ایران در منطقه و جهان، عمده متغیرها و زیرشاخص‌هایی که نقش کلیدی در ارتقای رقابت‌پذیری دارند، شناسایی شده است. بمنظور شناسایی آن متغیرها و شاخص‌ها، معیارهای چندگانه بشرح جدول (۸) ارایه شده است. مطابق آن معیارها در اولویت ارتقا و بهبود قرار دارند: (۱) شاخصها و متغیرهایی که رتبه ایران در آن شاخص‌ها در رتبه‌های پایین تری (برای نمونه کمتر از ۱۰۰)؛ (۲) شاخصها و متغیرهایی که امتیاز (ارزش عددی) ایران در آن در رتبه‌های پایین تری (برای نمونه کمتر از ۵۰ از ۱۰۰)؛ و (۳) شاخصها و متغیرهایی که ایران بالاترین شکاف در امتیاز (ارزش عددی) در آنها (برای نمونه شکاف ارزش عددی ایران بیش از ۶۰) قرار دارند.

جدول (۸): تحلیل وضعیت ۱۰۲ شاخص مورد مطالعه رقابت‌پذیری جهانی ایران در سال ۲۰۱۹

شرح	بدترین وضعیت	وضعیت بد	وضعیت متوسط	وضعیت مطلوب
نمره امتیاز (از ۱۰۰)	۴۵ و کمتر از ۴۵	۴۵ تا ۶۰	۶۰ تا ۷۵	۷۵ به بالا
رتبه (بین ۱۴۰ کشور)	۱۰۰ و بیش از ۱۰۰	۷۰ تا ۱۰۰	۴۵ تا ۷۰	کمتر از ۴۵
شکاف (درصد)	۵۵ تا ۵۵ به بالا	۷۵ تا ۵۰	۵۰ تا ۳۵	کمتر از ۳۵
اولویت اهمیت ارتقا	۱	۲	۳	۴

ماخذ: بر مبنای مطالعات نگارنده

از متغیرهای تبیین‌کننده ۱۲ مولفه اصلی رقابت‌پذیری ایران در جهان، در ۵۴ متغیر یعنی ۵۲ درصد از ۱۰۴ متغیر مورد بحث در سال ۲۰۱۹، دو ملاک از سه ملاک پیش‌گفته را توامان ضعیف ارزیابی شده است. در این بین، وضعیت ۲۵ متغیر شامل موانع تعرفه‌های تجاری، نسبت سرمایه بانک‌ها، روبه تنزل، تسهیل دراستخدام نیروی کار خارجی، روبه کاهش، حمایت از ریسک کارآفرینی، روبه تنزل، نسبت واردات کالا و خدمات از GDP، حکمرانی منافع سهام‌داران، بدن تغییر، حمایت از حقوق مالکیت فکری، روبه تنزل، آزادی انتشار، روبه کاهش، مهارت فارغ التحصیلان، سلامت بانک‌ها، روبه تنزل، زمان شروع یک کسب و کار، روبه تنزل، تورم، روبه تنزل، اتکا به مدیریت حرفه‌ای، روبه تنزل، تمایل به تفویض اختیار، آموزش ضمن خدمت کارکنان، روبه تنزل، ثبات سیاست اعتمادساز دولت، بی تغییر، ظرفیت‌های چند-میزبانی، روبه تنزل، فشار مقررات دولتی، روبه تنزل، کارایی خدمات حمل و نقل هوایی، روبه تنزل و همکاری در روابط کارگر-کارفرما، رتبه ایران بیش از ۱۳۰ در سال ۲۰۲۰ بوده است، حال آن که در سال ۲۰۱۰، ۲۰ متغیر شامل میزان مالکیت خارجی، سهولت دسترسی به وام، میزان موانع تجاری، موانع تعرفه‌ای (متوسط نرخ تعرفه موزون تجاری)، دسترسی به خدمات مالی، دسترسی به سرمایه مخاطره‌آمیز، میزان آموزش کارکنان، حمل و نقل هوایی، تاثیر اقتصادی مقررات مربوط به FDI، استطاعت و کفایت خدمات مالی، انعطاف‌پذیری در تعیین دستمزدها، حمایت قوی از سرمایه‌گذار، مشارکت زنان در نیروی کار، کیفیت عرضه‌کنندگان محلی، شفافیت سیاست‌گذاری دولتی، محدودیت جریان سرمایه، دسترسی به جدیدترین فناوری‌ها، تمایل به تفویض اختیار، تورم و اتکا به مدیریت حرفه‌ای با رتبه بالاتر از ۱۲۰ در بین کشورها بمراتب ضعیف‌تر ارزیابی می‌شد. در دهه ۲۰۱۰ نه تنها جهت متغیرها بهبود نیافته، بلکه حتی در تنزل رقابت‌پذیری جهانی اقتصاد ایران بدتر نیز شده است. بنابراین به منظور بهبود و ارتقای رقابت‌پذیری اقتصاد ایران در جهان، در مورد تمامی متغیرها از جمله ۵۴ متغیر در جدول و بالاخص ۲۵ متغیر اول بایستی اصلاحات و اقدامات مناسب‌تری انجام پذیرد.

جدول (۹): مهم‌ترین متغیرها و عوامل کاهنده رقابت‌پذیری ایران در جهان (به ترتیب شدت آنها)

ضعیف‌ترین	ضعیف‌ترین	ضعیف
۱. موانع تعرفه‌های تجاری، ... ، ۰.۰ (۱۴۱)	۲۸. پرداخت و بهره‌وری، روبه تنزل، ۳۷.۴ (۱۲۶)	۵۵. کاربردهای اختراع، ۹۹ (۱.۹)
۲. نسبت سرمایه بانک‌ها، روبه تنزل، ۶۲.۳ (۱۴۱)	۲۹. تامین مالی SMEs، روبه تنزل، ۳۰.۸ (۱۲۶)	۵۶. استقلال قضایی ۹۷ (۳۴.۷)
۳. تسهیل دراستخدام نیروی کار خارجی، روبه کاهش، ۳۰.۴ (۱۳۹)	۳۰. قدرت استانداردهای حساسی و گزارش دهی، روبه بهبود، ۴۳.۹ (۱۲۵)	۵۷. نظام حقوقی سازگار با الگوی کسب و کار دیجیتال، ۹۵ (۳۷.۹)
۴. حمایت از ریسک کارآفرینی، روبه تنزل، ۳۳.۶ (۱۳۸)	۳۱. اینترنت فیبرنوری، ... ، ۱۲۵	۵۸. حقوق کارگران، ۹۳ (۶۴.۰)
۵. واردات کالا و خدمات از GDP، ۱۵.۹ (۱۳۸)	۳۲. حقوق مالکیت، روبه کاهش، ۴۲.۲ (۱۲۳)	۵۹. وضعیت توسعه خوشه‌ها، ۹۳ (۴۲.۱)
		۶۰. همکاری مشترک بین‌المللی، ۹۰ (۲.۲)
		۶۱. رشد کمیابی‌های نوآور، ۹۰ (۴۷.۱)
		۶۲. کارایی خدمات بنادر دریایی، ۸۷ (۴۵.۶)
		۶۳. هزینه‌های تحقیق و توسعه، ۸۶ (۸.۴)

۶۴. تلفن همراه، ۸۵ (۹۰.۴)	۳۳. کارایی نظام حقوقی در حل و فصل اختلافات، روبه کاهش، ۲۷.۸ (۱۲۲)	۶. حکمرانی منافع سهام‌داران، بدن تغییر، ۴۷.۰ (۱۳۷)
۶۵. پرمیوم تأمین، ۸۴ (۲۱.۵)	۳۴. شکاف اعتباری، بدون تغییر، ۹۳.۷ (۱۲۲)	۷. حمایت از حقوق مالکیت فکری، روبه تنزل، ۲۸.۹ (۱۳۶)
۶۶. خدمات پلیس قابل اتکا ۸۴ (۵۱.۳)	۳۵. مقررات تعارض منافع، بدون تغییر، ۴۰.۰ (۱۲۱)	۸. آزادی انتشار، روبه کاهش، ۳۵.۶ (۱۳۶)
۶۷. پیچیدگی خریداران، ۸۳ (۴۰.۸)	۳۶. دسترسی به سرمایه مشترک، روبه تنزل، ۲۰.۷ (۱۲۱)	۹. مهارت فارغ التحصیلان، روبه تنزل، ۳۳.۲ (۱۳۶)
۶۸. پیچیدگی تعرفه‌ها، ۸۱ (۶۹.۴)	۳۷. نظام مقررات حل اختلاف، بدون تغییر، ۳۱.۳ (۱۲۰)	۱۰. سلامت بانک‌ها، روبه تنزل، ۲۹.۹ (۱۳۶)
۶۹. پهنای باند همراه، ۸۰ (۶۸.۲)	۳۸. موانع تجاری غیرتعرفه‌ای، روبه بهبود، ۴۹.۴ (۱۱۹)	۱۱. زمان شروع یک کسب‌و کار، روبه تنزل، ۲۷.۶ (۱۳۶)
۷۰. عوامل تهدید مرتبط با محیط زیست، ۷۹ (۷۲.۴)	۳۹. رخداد و وقوع فساد، روبه کاهش، ۲۸.۰ (۱۱۶)	۱۲. تورم، روبه تنزل، ۵۴.۴ (۱۳۵)
۷۱. کیفیت زیرساخت جاده، ۷۹ (۴۸.۱)	۴۰. تحرک نیروی کار داخلی، روبه تنزل، ۴۷.۸ (۱۱۶)	۱۳. اتکا به مدیریت حرفه‌ای، روبه تنزل، ۳۵.۲ (۱۳۵)
۷۲. دسترسی برق، ۷۸ (۹۹.۱)	۴۱. تغییر مسئولانه دولت، بی‌تغییر، ۳۱.۹ (۱۱۵)	۱۴. تمایل به تفویض اختیار، روبه تنزل، ۲۷.۹ (۱۳۴)
۷۳. مهارت‌های دیجیتال جمعیت فعال، ۷۶ (۵۱.۸)	۴۲. کیفیت آموزش محلی، روبه تنزل، ۴۱.۵ (۱۱۵)	۱۵. آموزش ضمن خدمت کارکنان، روبه تنزل، ۳۴.۳ (۱۳۴)
۷۴. نرخ بی‌خانمانی، ۷۵ (۹۳.۲)	۴۳. دیون غیرعملکردی، روبه تنزل، ۷۸.۰ (۱۱۴)	۱۶. ثبات سیاست اعتمادساز دولت، بی‌تغییر، ۲۳.۶ (۱۳۴)
۷۵. کیفیت عرضه برق، ۷۵ (۹۲.۰)	۴۴. ایده‌های حک شده شرکت‌ها، روبه تنزل، ۳۷.۹ (۱۱۳)	۱۷. ظرفیت‌های چند-میزبانی، روبه تنزل، ۳۲.۰ (۱۳۴)
۷۶. کیفیت اداری اراضی، ۷۴ (۵۰.۰)	۴۵. رویه‌های استخدام و اخراج، روبه تنزل، ۳۸.۸ (۱۱۲)	۱۸. فشار مقررات دولتی، روبه تنزل، ۲۴.۰ (۱۳۳)
۷۷. نرخ پوشش حل اختلاف، ۷۱ (۳۹.۹)	۴۶. نسبت حقوق و دستمزد نیروی کار زن و مرد، روبه بهبود، ۷۵.۱ (۱۱۲)	۱۹. کارایی خدمات حمل و نقل هوایی، روبه تنزل، ۳۵.۲ (۱۳۲)
۷۸. کارایی شفافیت مرزی، ۷۱ (۴۰.۶)	۴۷. سیاست‌های بازار کار فعال، روبه تنزل، ۲۴.۷ (۱۱۱)	۲۰. همکاری در روابط کارگر-کارفرما، روبه تنزل، ۴۲.۵ (۱۳۲)
۷۹. امید به زندگی با سلامت، ۷۱ (۸۰.۴)	۴۸. جرایم سازمان یافته، روبه تنزل، ۴۹.۱ (۱۰۷)	۲۱. کارایی نظام حقوقی در به چالش کشیدن مقررات، روبه تنزل (۱۳۰)
۸۰. اینترنت پهنای باند ثابت، ۶۹ (۲۴.۰)	۴۹. رخداد و حوادث تروریستی، بدون تغییر، ۹۷.۶ (۱۰۷)	۲۲. آثار انحرافی مالیات و یارانه‌ها در رقابت، روبه تنزل، ۳۰.۶ (۱۳۰)
۸۱. سرمایه‌های شدن بازار، ۶۹ (۲۴.۶)	۵۰. هزینه‌های زاید، روبه بهبود، ۶۰.۲ (۱۰۵)	۲۳. رقابت در خدمات، روبه تنزل، ۵۲.۲ (۱۳۰)
۸۲. آب آشامیدنی ناایمن، ۶۸ (۸۷.۴)	۵۱. نسبت دانش آموز به معلم در آموزش ابتدایی، روبه تنزل، ۵۳.۷ (۱۰۴)	۲۴. تفکر انتقادی در یادگیری، روبه تنزل، ۲۶.۷ (۱۲۸)
۸۳. کاربران اینترنت، ۶۸ (۷۰.۰)	۵۲. دسترسی آسان استخدام با مهارت، روبه تنزل، ۴۸.۱ (۱۰۳)	۲۵. انعطاف در تعیین دستمزد، روبه تنزل، ۵۳.۱ (۱۲۷)
۸۴. چگالی راه‌آهن، ۶۷ (۱۳.۸)	۵۳. مشارکت الکترونیکی، بدون تغییر، ۵۲.۸ (۱۰۲)	۲۶. تنوع نیروی کار، روبه بهبود، ۴۵.۴ (۱۲۷)
۸۵. اعتبار داخلی به بخش خصوصی، ۵۳ (۶۶.۲)	۵۴. عرضه آب مطمئن قابل اتکا، روبه تنزل، ۵۲.۴ (۱۰۰)	۲۷. چشم‌انداز بلندمدت دولت، بی‌تغییر، ۲۷.۸ (۱۲۶)
۸۶. پویایی‌های بدهی، ۶۴ (۵۰.۰)		
۸۷. میزان دامنه بازار، ۶۱ (۴۷.۴)		
۸۸. میانگین سالیانه آموزش، ۶۱ (۶۶.۷)		
۸۹. زندگی آموزشی مورد انتظار، ۵۷ (۸۲.۷)		
۹۰. کاربردهای علامت تجاری، ۵۳ (۷۳.۸)		
۹۱. کارایی خدمات قطار، ۵۲ (۴۴.۶)		
۹۲. سرمایه اجتماعی، ۵۱ (۵۲.۸)		
۹۳. مواصلات فرودگاهی، ۴۹ (۵۹.۰)		
۹۴. مقررات قابل تجدید انرژی، ۴۷ (۵۹.۰)		
۹۵. انتشارات علمی، ۴۲ (۸۲.۵)		
۹۶. مواصلات جاده‌ای، ۴۲ (۸۵.۴)		
۹۷. مواصلات خطوط کشتی، ۴۱ (۴۲.۶)		
۹۸. هزینه شروع یک کسب‌و کار، ۳۲ (۹۹.۴)		
۹۹. مقررات کارایی انرژی، ۱۶ (۷۵.۷)		
۱۰۰. تولید ناخالص داخلی، ۱۸ (...)		
۱۰۱. عملکرد نهادهای تحقیقاتی، ۱۵ (۵۰.۹)		

ماخذ: نتایج حاصل از تحقیق بنقل از گزارش رقابت‌پذیری جهانی مجمع جهانی اقتصاد سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۹.

۴-۵ توسعه دریامحور و اقتصاد دریا و الزامات اساسی در تحقق توسعه و اقتصاد دریامحور

توسعه دریامحور و اقتصاد دریا که اخیراً بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته، لازم است تا تصویر روشنی از آن ترسیم شود. تعریف اقتصاد دریامحور که در ادبیات جهانی با عنوان اقتصاد آبی^۱ یاد می‌شود، استفاده پایدار از ظرفیت منابع و گستره‌های آبی اعم از اقیانوسها، دریاها، دریاچه‌ها و جزایر برای رشد اقتصادی، بهبود وضعیت معیشت و ایجاد اشتغال و افزایش GDP تعریف می‌شود. بنابراین، حوزه اقتصاد دریا فراتر از مواردی از قبیل شیلات و گردشگری دریایی است و مستلزم ظهور و حمایت از صنایع مرتبط با آب و دریا و از جمله زیرساخت و حمل و نقل دریایی، ساحلی و بندری، گردشگری دریایی، انرژی‌های تجدیدپذیر، آبی‌پروری و شیلات، بیوتکنولوژی دریایی، زیست‌هواشناسی و معدنکاری دریایی است. **اقتصاد دریامحور** ابعاد، زوایا و جنبه‌هایی دارد؛ از جمله **اقتصاد دریامحور** راهبردی اساسی، توسعه‌ای و کنشگرا و در نهایت، تحول‌آفرین است. **اساسی** است؛ زیرا در سطح بالایی نهادها و سازمانهای زیادی را درگیر می‌کند. **توسعه‌ای** است؛ زیرا با موضوعات مختلف توسعه‌ای و حاکمیتی مانند جمعیت‌پذیری، ایجاد زیرساختها و ارتباطات گره خورده است. **کنشگرا** است؛ زیرا محرک جدی به کارگیری و به کاراندازی صنایع و اشتغال در دریاها و سواحل است.

ایران با داشتن ۵۸۰۰ کیلومتر نوار ساحلی جنوبی و شمالی (۴۰ درصد مرزها)، کشوری دریایی است؛ اما در میزان استفاده از این نعمت خدادادی چندان موفق نبوده است. بیشترین فعالیت در عرصه سواحل، مربوط به محدوده‌های شهری و روستایی و تأسیسات بندری و نظامی است که اینها حدود ۵ درصد از ظرفیت سواحل را به خود اختصاص داده‌اند و حدود ۹۵ درصد از این ظرفیت مورد توجه قرار نگرفته است. حال آن‌که این مناطق اهمیت ژئواستراتژیک، ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک در مقیاس جهانی و منطقه‌ای دارند. هم‌اکنون بسیاری از کشورهای جهان سهم عمده‌ای از تولید ناخالص ملی را از دریا تأمین می‌کنند. در این میان ویتنام و سپس چین با بیش از ۵۰ درصد، در صدر قرار دارند. ایران نیز

^۱ Blue Economy

حدود ۱۰ درصد از تولید ناخالص ملی خود را از دریا تأمین می‌کند که با توجه به پتانسیل‌های موجود در کشور، رقم پائینی تلقی می‌گردد. ایران حدود یک درصد اقتصاد دریایی دنیا را بدون احتساب منابع نفتی و گازی و حدود ۲/۵ درصد را با احتساب این منابع به خود اختصاص داده است. این در حالی است که از نظر پتانسیل موجود در اختیار کشور، ایران از بین ۱۸۴ کشور در رتبه چهلیم قرار دارد، در صورتی که از نظر کسب درآمد وضعیت مطلوبی نداشته و بیشترین فعالیت‌های اقتصادی در عرصه سواحل متمرکز در محدوده شهرهای بزرگ ساحلی است. موضوع دیگر، چالش توزیع نامتوازن جمعیت و نگاه تمرکزگرایی و عدم توجه جدی به پتانسیلها و ظرفیت و منابع نواحی مرزی و به خصوص در نواحی با مرز آبی جدی است. به‌عنوان نمونه، هفت استان ساحلی که ۲۵ درصد مساحت کشور را به خود اختصاص می‌دهند، تنها در برگیرنده ۱۰ درصد جمعیت کشور هستند. در حالی که بررسی‌ها نشان می‌دهد که به‌ازای ایجاد یک شغل در بخش اقتصاد دریا، چهار شغل جدید ایجاد می‌گردد که در مقایسه با سایر بخشها قابل توجه است.

در این زمینه، نمونه‌های موفق و ناموفقی به چشم می‌خورد. به‌عنوان نمونه، با ایجاد بندر شهید رجایی، جمعیت بندرعباس و به طور کلی استان هرمزگان دو برابر شد و پس از آن با اضافه شدن صنایع مادر در ناحیه بندرعباس مانند صنایع پتروشیمی، آلومینیم، کشتی‌سازی، فولاد و سیمان هرمزگان جمعیت این ناحیه بیش از پنج برابر شده است. از طرفی تجربه تقریباً ناموفق منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس در عسلویه به‌لحاظ کلان، بیانگر این مطلب است که عدم توسعه پایدار و متوازن اگرچه به عنوان یک مرکز پُراهمیت فعالیت‌های صنعتی و معدنی، منافع اقتصادی برای کشور به‌همراه دارد، لیکن چالشهای جدی زیستمحیطی، کالبدی و اجتماعی را (مانند آلودگی‌های بالای زیست‌محیطی و مسائل اجتماعی ناشی از مهاجرت‌های شغلی و دوغانگی فرهنگی) به دنبال داشته است. در این میان، استفاده از ظرفیت بالای کنشگری مناطق آزاد و ویژه، در تحقق الگوهای اقتصاد دریامحور کلیدی است. در این خصوص می‌توان به تجربه موفق کیش در جذب گردشگر دریایی اشاره کرد. در نمونه‌ای دیگر می‌توان به مصوبه مجلس در بهمن‌ماه ۱۳۹۸ و الحاق اراضی چابهار، شهر جدید تیس و بالغ بر ۸۰ روستا و افزایش محدوده ۱۴ هزار هکتاری به حدود ۹۲ هزار هکتاری اشاره کرد که این مصوبه هم‌راستا با نقش کلیدی چابهار در مقیاس یکی از چهار شهر لجستیک کشور (براساس سند آمایش لجستیک کشور) و مبدأ کریدور توسعه شرق کشور بوده است (مرکز پژوهشها، ۱۴۰۰: ۱-۴).

در ادامه الزامات اساسی تحقق اقتصاد دریامحور موجز و باختصار پرداخته می‌شود (مرکز پژوهشها، ۱۴۰۰: ۱-۴).
توجه به موضوعات و محورهای کلیدی توسعه دریامحور: موضوعات کلیدی توسعه دریامحور مشتمل بر مواردی از قبیل آینده‌نگری، توجه به رقابت‌پذیری و رقابت جهانی، توجه به تحولات جهانی در حوزه صنایع و حمل‌ونقل دریایی، لجستیک و زنجیره تأمین، توسعه یکپارچه زیرساخت‌های ریلی، جاده‌های و هوایی و ارتقای نسل بنادر می‌گردد.

توجه به توان اکولوژیک در برنامه‌ریزیهای توسعه: با توجه به اصول آمایش سرزمین، بارگذاری انواع فعالیت‌های انسانی لازم است براساس توان اکولوژیک انجام پذیرد تا اصول توسعه پایدار رعایت شود. به‌عنوان نمونه، در برنامه توسعه سواحل مکران که برنامه‌های دستگاه‌های اجرایی و وزارتخانه‌ها در کنار هم آورده شده است، براساس توان اکولوژیک نیست و این موضوع می‌تواند سبب افزایش هزینه‌های اجرای آن برنامه‌ها شود.

توجه به اقلیم مناطق و نواحی ساحلی: گفتنی است تشویق به ایجاد سکونتگاه‌های جدید در سواحل دریای عمان و خلیج فارس از جمله سواحل مکران (به‌ویژه حد فاصل جاسک تا چابهار) براساس چه اصولی می‌بایست صورت پذیرد. تاریخ این خطه نشان می‌دهد که به‌دلیل ویژگیهای طبیعی و اقلیم خشن در خشکی و دریا، جمعیت زیادی جذب این نواحی نشده‌اند. وقوع پدیده مونسون در این مناطق و طوفانهای حاره‌ای، شرایط خاصی را به منطقه تحمیل کرده که برای برنامه‌ریزی ایجاد سکونتگاه جدید باید به آن توجه کرد. ضمناً یکی از مسائل مهم در این منطقه کمبود شدید آب است. یقیناً اگر شرایط زندگی و زیست در این مناطق مهیا بود، حتماً مانند خلیج فارس شهرهای ساحلی بیشتری تشکیل می‌شد. بررسی تجارب و منابع بالقوه ملی بیانگر این واقعیت است که جمعیت‌پذیری و استقرار صنایع در این محدوده شدنی است، لیکن توسعه در این مناطق نیازمند توجه جدی به الزامات و نیازهای اساسی ساکنان آن است.

توجه به ظرفیتهای حمل و نقل دریایی: رویکرد توسعه و تحول حمل‌ونقل دریایی در کشورهای پیشرو گویاست که با توجه به افزایش ابعاد کشتی‌ها و نوع بسته‌بندی آنها و همچنین یکپارچگی زنجیره تأمین محصولات در آنها، توسعه‌های جدید دریایی و بندری به سمت مناطقی رفته که خارج از محدوده شهربندرها بوده و ظرفیت بالاتر دریایی از جمله عمق آب‌خور بالای ۱۵ متر برای کشتی‌ها دارند. از این رو ضروری است که پهنه‌بندی استقرار صنایع با توجه به نواحی دارای پتانسیل ساخت بندر جدید در سواحل کشور بازبینی شود. به این ترتیب، هرگونه توسعه بندر تجاری خصوصاً در شهربندرها و افق در نظر گرفته شده برای توسعه اقتصادی آنها با توجه به این ملاحظات بازبینی شود. به‌عنوان نمونه، ظرفیت بندر شهید بهشتی چابهار در فاز نهایی توسعه به ۳۲ میلیون تن رسیده و بندر چندمنظوره فعلی جاسک نیز برای شناورهای زیر ۵۰۰۰ تن مناسب است. بنابراین چنانچه هدفگذاری صنعتی در سواحل مکران مدنظر است، ضروری است تا به ظرفیتهای جدید بندری برای صادرات محصول یا واردات مواد اولیه توجه نمود.

توجه به اصول مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی (ICZM): با توجه به دستاوردهای برنامه‌های مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی کشور که برای اکثر سواحل تهیه شده یا در دست تهیه است، هرگونه برنامه توسعه این مناطق ضروری است با رعایت اصول ICZM انجام شود. رعایت این اصول سبب استفاده متعادل و متوازن از منابع تجدیدپذیر/ناپذیر ساحلی می‌گردد؛ به‌نحوی که منافع همه ذی‌نفعان در بهره‌برداری مطلوب (بهینه) از دریا و ساحل در نظر گرفته می‌شود. **توجه به نوآوری در حوزه دریایی:** امروزه توجه به نوآوری در حوزه‌های مختلف و تشویق و حمایت از شرکت‌های نوآور و نوآفرین (استارت‌آپ‌ها)، یکی از روش‌های رونق اقتصادی توسط بخشهای خصوصی است که برای حوزه فعالیت‌های متنوع دریایی نیز مصداق دارد.

استفاده از تجربیات جهانی: دوسوم جمعیت کشورهای دنیا در فاصله کمتر از ۶۰ کیلومتری دریاها و آب‌های آزاد شکل گرفته‌اند. اصولاً تمدنها و شهرنشینی‌ها از این خصیصه در رهگذر تاریخ برخوردار بوده‌اند. حدود ۸۰ کلانشهر و یا شهر بزرگ که اتفاقاً قطب اقتصاد و تجارت نیز هستند، در کنار دریاها و آب‌های آزاد شکل گرفته‌اند. از طرفی در سالیان اخیر تحولات جدی در حوزه صنایع کشتیرانی، سوخت کشتیها و صنایع مرتبط با دریا صورت پذیرفته است. به این ترتیب ضروری است تا از تجارب جهانی در حوزه توسعه شهری و منطقه‌ای اعم از جمعیت‌پذیری و استقرار صنایع سبک و سنگین و صنایع مرتبط با دریا در پیرامون آب‌های آزاد استفاده گردد.

توجه به منابع انسانی و پشتوانه‌های تخصصی: با عنایت به چندبُعدی بودن موضوع و دخیل بودن مناسبات متعدد مسئله، توجه به ظرفیت بالای دانشگاهها و ارتباط آنها با صنعت و توجه جدی به جامعه علمی مشاورین حائز اهمیت است. **مشارکت دادن به جامعه محلی در تصمیم‌گیریها:** متأسفانه مشاهده می‌شود که در تهیه برنامه‌های توسعه سرزمینی، توجه لازم به جوامع محلی صورت نمی‌گیرد و راه‌حلهایی کلیشه‌ای و غیرمناسب برای توسعه آن مناطق تجویز می‌گردد. ابتدا باید پرسید که آیا همه جوامع را با یک مدل توسعه می‌توان ارتقا داد؟ و نیز پرسید که آیا جوامع محلی که ریشه‌های صدها ساله دارند، حق مشارکت در تعیین سرنوشت خود را دارند یا خیر؟ امروزه ثابت شده که اجرای راهکارهای توسعه، چنانچه با مشارکت جوامع محلی باشد، از نتایج بهتری برخوردار خواهد بود.

توجه به تسهیل امور سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی: به جهت ترغیب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی ضروری است تا موانع و محدودیتهای دست و پاگیر بر طرف شده و مشوق‌هایی مانند اعطای وام‌های کم‌بهره و معافیت و یا تخفیف‌های مالیاتی نیز در این حوزه اثرگذار می‌باشد.

توجه به حوزه پُر ظرفیت گردشگری دریایی: استفاده از قابلیت‌های محیطی و دریایی جهت جذب گردشگر داخلی و خارجی و در اولویت قرار دادن برنامه‌های بهره‌برداری و توسعه‌ای در حوزه گردشگری دریایی کلیدی است. **توجه به بندر کوچک:** با عنایت به گره خوردن زندگی ساکنان شهرهای ساحلی به دریا و نقش مهم آنها در توسعه پایدار، حمایت از کسب‌وکارهای کوچک در مناطق ساحلی مرتبط با منابع و صنایع دریایی صورت پذیرد.

۵- نتیجه‌گیری و راهکارها

موقعی رقابت‌پذیری مناسب (مطلوب) در اقتصاد کشوری تحقق می‌یابد که نهادهای کارآمد، زیرساخت‌های توسعه مناسب و گسترده، محیط اقتصادکلان با ثبات، بهداشت و آموزش با کیفیت، مهارت‌ها و دانش تخصصی بالا و با کیفیت، کارآمدی بازار کالا، کارایی و انعطاف‌پذیری بازار کار، بازار مالی توسعه‌یافته، سطح بالای آمادگی جذب فن‌آوری، بزرگی اندازه بازارها و تخصصی‌شدن تجارت، کسب‌وکارهای پیچیده و توسعه‌یافته مبتنی بر دیجیتال و نهایتاً خلاقیت و نوآفرینی در جامعه نهادینه و درون‌زا شده باشد. در این چارچوب، این مطالعه با هدف ارزیابی و شکاف منطقه‌ای و جهانی رقابت‌پذیری اقتصاد ایران و تبیین رقابت‌پذیری مناسب و راهکارهای بهبود آن در یک دهه گذشته مورد مطالعه و تدوین یافته است. برای این منظور، ابتدا چارچوب و مبانی نظری موضوع از ابعاد و زوایای مختلف و روش‌شناسی موضوع بیان شد و سپس نتایج پژوهش تحلیل وضع موجود رقابت‌پذیری ایران در جهان و مولفه‌های ۱۲ گانه آن و تصویری از وضع مطلوب تبیین گردید و آنگاه راههای بهبود رقابت‌پذیری و مولفه‌ها و متغیرهای اثرگذار بر آن ارائه شد. نتایج مطالعه گویای آن است که:

۱. رقابت‌پذیری اقتصاد ایران در یک دهه اخیر در مقیاس جهانی و منطقه‌ای وضعیت نامناسبی داشته و روند کلی آن طی این مدت با ۳۰-رتبه، روبه‌تنزل گذاشته است. در واقع، ابتدا در سال ۲۰۱۰ جایگاه رقابت‌پذیری اقتصاد ایران با کسب امتیاز ۴۰۱۴ در رتبه ۶۹ در بین ۱۴۰ کشور جهان قرار داشت که گذار از مرحله مبتنی بر عوامل تولید به مرحله بهبود کارایی قرار داشت. در انتهای دوره، سال ۲۰۱۹، ایران با کسب امتیاز ۵۴/۹ (از مقیاس صفر تا ۱۰۰) با ۳۰ رتبه تنزل، به رتبه ۹۹ سقوط کرد.

۲. گزارش رقابت‌پذیری، میزان پیچیدگی اقتصاد کشورها، موانع توسعه اقتصادی و نقاط ضعف و قوت اقتصاد هر کشور را در قالب ۱۲ مولفه نشان می‌دهد. در گزارش اخیر از طرح جدید درسنجش امتیاز و رتبه‌بندی رقابت‌پذیری کشورها، رقابت‌پذیری جهانی بر مبنای انقلاب صنعتی ۴ و پیشرفت‌های متعاقب آن باز طراحی شده است. وضعیت ایران در ۱۲ مولفه رقابت‌پذیری (نهادها، زیرساختها، ثبات اقتصاد کلان، بهداشت و آموزش، آموزش عالی و کارآموزی، بازار کالا، کار، بازار مالی، آمادگی جذب فن‌آوری، اندازه بازار، محیط کسب‌وکار و نوآوری) به نحوی است که ابتدا در سال ۲۰۱۰ ایران در ۲ مولفه بازار کار و بازار مالی ضعیف‌ترین وضعیت را کسب کرده بود، و در مقابل، در ۲ مولفه ثبات اقتصاد کلان و اندازه بازار وضعیت مناسبی داشت. در واقع، دو مولفه بازار کار و بازار مالی، به عنوان دو نکته ضعف، جایگاه رقابت‌پذیری ایران را در جهان بشدت تضعیف، و در مقابل دو مولفه ثبات اقتصادکلان و اندازه بازار، به عنوان دو نکته قوت، رقابت‌پذیری ایران را در جهان به‌طور موثری بهبود داده است.

۳. در دو سال ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ بهترین و بدترین رتبه را ایران به ترتیب در شاخص اندازه بازار با جایگاه ۱۹ و ۲۱ و در بازار نیروی کار با جایگاه ۱۳۶ و ۱۳۹ به خود اختصاص داده است. در این بین، ایران در ۵ مولفه از ۱۲ مولفه شامل کارایی بازار کار، بازار محصول، نظام مالی، پویایی کسب و کار، نهادها و ثبات محیط اقتصادکلان ضعیف‌ترین وضعیت را داشته (نکات ضعف)، و در مقابل، تنها در یک مولفه اندازه بازار بهترین وضعیت را احراز کرده بود (تنها نکته قوت). بنابراین ۶ مولفه بازار کار، بازار محصول، نظام مالی، پویایی کسب و کار، نهادها و ثبات محیط اقتصادکلان، به عنوان نکات ضعف، وضعیت رقابت‌پذیری ایران را در جهان بشدت تضعیف، و در مقابل تنها مولفه اندازه بازار، رقابت‌پذیری جهانی ایران را به‌طور موثری بهبود داده است. البته بیم آن می‌رود که چشم‌انداز آتی همه مولفه‌ها از جمله تنها نکته قوت، اندازه بازار ایران با تکانه‌های غیرکنترلی از جمله تحریم‌ها روبه‌وخامت گذارد.

۴. با دسته‌بندی مولفه‌های دوازده‌گانه رقابت‌پذیری در سه قلمرو ورودی، پردازشی و خروجی، ۳ مولفه (زیرساخت‌ها، سلامت (بهداشت و آموزش ابتدایی) و مهارت‌ها (آموزش عالی و حرفه‌ای)، به‌عنوان ورودی‌ها، ۷ مولفه (اندازه بازار، نهادها، ثبات محیط اقتصادکلان، کارایی بازار کالا، بازارهای مالی، پویایی کسب و کار و آمادگی تکنولوژیکی) به‌عنوان

پردازشی‌ها و دو مولفه (کارایی بازار نیروی کار و نوآوری) به‌عنوان خروجی‌ها قابل دسته‌بندی است. با مشاهده وضعیت کلی رقابت‌پذیری ایران در دهه گذشته، رتبه جهانی ایران در رده متوسط، و در طی دوره رو به تنزل (پایین) بوده است. اما رتبه ایران در شاخص‌های ورودی شامل زیرساختها، سلامت و مهارتها، اساسا در رده متوسط، و در طی دوره پرنوسان و بعضا روبه تنزل (پایین) است و رتبه ایران در مولفه های ۷ گانه پردازشی پیشگفته (به‌ویژه نهادها، ثبات محیط اقتصادکلان، بازارمالی و بازارکالا) و سپس دو مولفه خروجی (بازار نیروی کار و توانایی نوآوری) در رده پایین (نامناسب) ارزیابی می‌شود. این امر نشان از چالش‌های اساسی مدیریتی است؛ به این معنی که مدیریت کشور نه‌تنها نمی‌تواند از شاخص‌های ورودی (داده‌ها) برای بهبود وضعیت بهره‌گیری کند، بلکه موجب کاهش رتبه در بسیاری از مولفه های پردازشی و مولفه های خروجی (ستاندها) شده است. عدم توازن و تناسب میان ستانده و داده، گویای ضعف بهره‌وری و کارایی نظام اقتصادی دارد. رفع ضعف و کاستی بنیادی، مربوط به کیفیت سیاست‌گذاری‌ها است.

۵. در چند سال اخیر، گزارش رقابت‌جهانی با رویکرد جدید در مواجهه و انطباق کشورها با روند انقلاب صنعتی چهارم ارزیابی شد. این امر موجب تنزل شدید رتبه کلی رقابت ایران شده است. تنزل ۳۰ رتبه‌ای رقابت ایران در سال‌های ۱۹-۲۰۱۰، گویای انعطاف‌ناپذیری اقتصاد ایران برای تطبیق با تغییرات ناشی از انقلاب صنعتی چهارم است. کاهش رتبه رقابت ایران با رویکرد پیشین و جدید، عمدتا به ناحیه پردازشی مربوط می‌شود. از میان شاخص‌های ۷ گانه، وضعیت رتبه شاخص‌های «ثبات اقتصادکلان»، «نهادها»، «مهارتها» و «پویایی کسب‌وکار» بمراتب نامناسب‌تر است. ۶. از ۱۰۴ متغیر تبیین‌کننده ۱۲ مولفه اصلی رقابت‌پذیری ایران در جهان، ۵۴ متغیر ۵۲ درصد از کل متغیرها، موقعیت و رتبه ایران در بین ۱۴۱ کشور ۹۹ و بالاتر از ۹۹ بوده است. بی‌شکها این مجموعه متغیرها در کاهش رقابت ایران تعیین‌کننده‌اند و بنابراین به منظور بهبود ارتقای رقابت ایران، در تمام متغیرها، عوامل و سیاستها از جمله ۵۴ متغیر و بالاخص ۲۵ متغیر و عامل سیاستی پیش‌گفته بایستی اصلاحات و اقدامات مناسب‌تری انجام پذیرد.

۷. کشورهای موفق در گذار از کووید ۱۹ در ۵ مولفه رقابت‌پذیری (اقتصاد دیجیتال پیشرفته، شبکه تامین اجتماعی قوی، نظام تامین مالی قوی، موفق در کیفیت سیاستها و تجربه‌های موفق پیشین اپیدمی) در جهان غرب اروپا و آمریکا قرار دارند اما در این بین برخی کشورها در چند مولفه توامان موفق ظاهر شده اند، برای نمونه سوئیس در ۳ مولفه، آمریکا، فنلاند، اتریش، سنگاپور و امارات متحده در ۲ مولفه. باملاحظه آن ۵ مولفه برای ایران، به نظر می‌آید عمده ضعف ایران در سه مولفه اقتصاد دیجیتال پیشرفته، نظام تامین مالی قوی و کیفیت بالا در اجرای سیاست‌های مربوطه دانست. بنابراین اهمیتی جدی بر تمام مولفه‌ها به خصوص سه مولفه اقتصاد دیجیتال، نظام تامین مالی و کیفیت اجرای سیاست‌ها می‌بایستی صورت پذیرد.

۸. با دقت در امتیاز (ارزش عددی) و رتبه ۱۲ مولفه رقابت‌پذیری در مقایسه با اقتصاد همسان با ایران در منطقه (ترکیه)، نتیجه می‌شود یک‌یک آن ۱۲ مولفه در بهبود شاخص رقابت‌پذیری بااهمیت هستند، منتهی نظر به امتیاز، رتبه ایران و تحلیل شکاف در ۶ مولفه نخست، افزایش ارزش عددی و ارتقای رتبه آنها، در ارتقای رقابت‌پذیری ایران موثرتر هستند. مختصات راهبرد ارتقای رقابت‌پذیری ایران در میان مدت ۵ ساله برنامه هفتم توسعه در ۱۲ مولفه تبیین‌کننده رقابت‌پذیری ایران با ترکیه، نتیجه می‌شود شش عمده مولفه کلیدی در بهبود شاخص رقابت‌پذیری ایران بترتیب الویت و اهمیت ارتقا عبارتست از: بازار نیروی کار با رتبه ۱۴۰ و امتیاز (ارزش عددی) ۴۱.۳، ثبات محیط اقتصاد کلان با رتبه ۱۳۴ و امتیاز (ارزش عددی) ۵۲.۲، بازار محصول با رتبه ۱۳۳ و امتیاز (ارزش عددی) ۴۱.۶، پویایی کسب‌وکار با رتبه ۱۳۲ و امتیاز (ارزش عددی) ۴۴.۳، نظام و بازار تامین مالی با رتبه ۱۲۳ و امتیاز (ارزش عددی) ۴۷.۵ و نهادها با رتبه ۹۹ و امتیاز (ارزش عددی) ۵۳.۰.

۹. بمنظور ارتقای رقابت‌پذیری ایران در ۱۲ مولفه و اجزای آن در راستای (۱) ارتقای کارآمدی نهادها، (۲) زیرساخت توسعه‌یافته و روزآمد، (۳) ثبات محیط اقتصادکلان، (۴) بهداشت و آموزش پایه باکیفیت و اثربخش، (۵)

آموزش عالی ثمربخش و تنگاتنگ تعاملی با ابعاد همه‌جانبه توسعه، (۶) بازار کالای کارآمد و الزامات آن، (۷) بازار کار کارا و تعامل تنگاتنگ با ابعاد همه‌جانبه توسعه، (۸) بازار مالی توسعه‌یافته، (۹) آمادگی جذب فناوری با تعامل سازنده و کاهش نااطمینانی‌ها، (۱۰) توسعه بازار همسان با اقتصادهای نوظهور/تازه‌صنعتی پیشرو، (۱۱) پیچیدگی، توسعه‌یافتگی و درهم‌تنیدگی و تعامل تنگاتنگ کسب و کارها (۱۲) تمهیدات و الزامات برای توسعه نوآوری قابل پیشنهاد است.

کلام آخر مرتب با اقتصاد دریامحور بر اساس مطالب فوق، اهم نکات کلیدی و بایسته‌های توسعه دریامحور و اقتصاد دریا مشتمل بر موارد ذیل بوده و لازم است مورد توجه تمامی دستگاهها و نهادهای اجرایی، نظارتی از جهت برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری، اجرا و پایش برنامه‌ها قرار گیرد. در ابتدایی‌ترین و کلیدی‌ترین اقدام، لازم است تا تصویر کلان و روشن اقتصاد دریامحور برای تمامی کنشگران توسعه ترسیم شود. در این خصوص می‌بایست تعاریف چندوجهی در این حوزه بازگو شده و پس از اشتراک نسبی در برداشت و درک از موضوع، رویکرد اقتصاد دریامحور به‌عنوان یک الزام کشور به دستگاهها و سازمانهای درگیر ابلاغ و مطالبه گردد. با اتخاذ، پیگیری و پایش سیاست‌های قابل اعتماد، فرصتهای از دست رفته توسعه پایدار سواحل کشور جبران گردد. در این خصوص، مثالی است که می‌گویند بهترین زمان برای کاشت درخت ۱۵ سال پیش بود، حالا که این ۱۵ سال را از دست داده‌ایم، همین امروز یک نهال بکاریم.

رویکرد توسعه‌خواهی نسل امروز باید به رویکرد توسعه‌آگاهی و توسعه‌آفرینی تبدیل شود و الزامات متناسب با هر کدام را پیدا نماید. در این زمینه وظیفه نهادهای اجتماعی، علمی، آموزشی و فرهنگی مؤثر خواهد بود. لزوم احترام به مثلث طلایی "زمان-قاعده و ضابطه- برنامه" می‌بایست در تمامی دستگاهها و سازمانها و نهادهای کشور فراگیر شود. اهمیت زمان، در این موضوع نهفته است که باید بین یک روز و یک ماه و یک سال برای هر دستگاه و یا سازمان متولی تفاوت وجود داشته باشد. درگیر بودن جدی پنج دولت اخیر به مسئله توسعه مکران و عدم تحقق جدی توسعه در این منطقه بیانگر اهمیت زمان و ارزش‌آفرینی در بستر زمان است. در خصوص قاعده و قانون نیز می‌توان بیان نمود که مبنای تصمیمات می‌بایست منافع ملی باشد و این تصمیمات باید منطقی، هدفمند، شفاف و تحقق‌پذیر با توجه به شرایط عمومی کشور باشد. در مورد برنامه نیز باید تأکید کرد که هر ایده خام شفاهی تست نشده برنامه نیست. در برنامه باید معلوم باشد که چه کسی، در کجا، چه وظیفه و اقدامی را در چه زمانی باید انجام دهد. در توسعه دریامحور و اقتصاد دریا، چیزی به عنوان میان‌بر وجود ندارد. میان‌بر یعنی پذیرفتن کج‌راهه و مسیرهای انحرافی از توسعه پایدار ملی. اگر قرار باشد تا همه کج‌راهه‌های متصور امتحان شوند و اصطلاحاً بر مسیر سعی و خطا قدم برداشته شود، در بهترین حالت، کشور در آینده‌ای بسیار دور در مسیر درست توسعه قرار می‌گیرد. در حالی که منابع و سرمایه‌های طبیعی و انسانی‌مان از دست رفته که این خودش یک خسارت جدی تلقی می‌گردد و در این حالت نسل امروز امانتدار خوبی برای آیندگان نبوده و آنها این نسل را بازخواست جدی خواهند نمود.

نهادهای اقتصادی و سیاسی، وظیفه ریل‌گذاری توسعه را برعهده دارند و فعالان اقتصادی، کارآفرینان و بخش خصوصی متأثر از همین ریل‌گذاری هستند. طبیعی است که اگر ریل‌گذاری در بستر ناپایدار و رو به مقصد نامطمئن باشد، نمی‌توان انتظار داشت که با حرکت در آن به هدف توسعه دست یافت. اصولاً، برنامه و اجرای آن خصوصاً در سواحل جنوب کشور و با توجه به شرایط اقلیمی و محدودیت منابع و انرژی به‌صورت دستوری منتهی به نتیجه مطلوب نمی‌شود. جمعیت و صنعت (در بخش خصوصی و خارجی) خودش را با دستور منطبق نمی‌کند، ولی تجربه نشان داده که خودش را با برنامه درست و منطقی و همه‌جانبه نهادینه و تطبیق نموده و به آن اعتماد کرده است.

منابع و ماخذ

۱. حسینی، میرعبداله و همکاران (۱۳۸۹). رقابت‌پذیری اقتصاد ایران و راهکارهای بهبود آن در جهان، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، چاپ اول، ۵۱۴ ص.
۲. حسینی، میرعبداله، وحید بزرگی (۱۳۹۹). ارزیابی عملکرد جهانی محیط پشتیبانی تجاری ایران در یک دهه گذشته (۱۸-۲۰۰۷) و راهکارهای بهبود آن، بررسی‌های بازرگانی، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، سال ۱۸، ش. ۱۰۱، خرداد و تیر، صص ۹-۲۶.
۳. علمی، محمد (۱۳۸۹). عوامل مؤثر رقابت‌پذیری اقتصاد و شاخص‌های آن، سازمان توسعه تجارت ایران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۴۷ ص.

۴. مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۴۰۰). توسعه دریا محور و اقتصاد دریا، ضرورتی بی‌بدیل در تحقق اقتصاد پویا، گروه حمل و نقل معاونت مطالعات زیربنایی، ش.م.سلسل: ۲۵۰۱۸۰۸، شهریور، ۱-۴ص.

5. Bruce Scott. (1989) US Competitiveness in the World Economy. Harvard Business School Press. Chaps 1 & 2.
6. Ben Gardiner & Ron Martin. (2004) Competitiveness, Productivity and Economic Growth across the European Region, paper on Regional Studies Association Seminar.
7. Dayasindhu, N. (2002) Embedded ness, knowledge transfer, industry clusters and global competitiveness. Technovation. Vol.22, No.9.
8. Edmund Thompson. (2004) National competitiveness: A question of cost condition or institutional circumstances? British Journal of Management. Vol.15. No.3.
9. Erik, Reinert. (1994) Competitiveness and its Predecessors. Business History Conference. Virginia
10. Ernest Ulrich. (2002) Investment and Competitiveness: A strategic management perspective, presented at OECD Ukraine Forum on Investment and Enterprise Development. Kyiv. February.
11. Ferranti, D & Perry, G & Laderman, D & Maloney, W. (2002) From Natural Resources to the Knowledge Economy. Washington: The World Bank
12. John Blair. (2004) How local competition affects national competitiveness? Competitiveness Review. Vol.14. No.2.
13. Irfan ul Haque. (1991) International Competitiveness: Public/Private Sector Interface. Economic Development Institute of World Bank. Washington: The World Bank.
14. John Cantwell. (2003) Innovation and Competitiveness. from Handbook of Innovation, Oxford University Press.
15. Ian Marsh. (1995) Beyond the Two Party System. New York: Cambridge University Press.
16. Kornelia Krajnyak & Jeromin Zettelmeyer. (1997) Competitiveness in Transition Economies. What Scope for Real Appreciation.
17. Markusen, J. R. (1992) Productivity, Competitiveness, Trade Performance and Real Income. Ottawa, Canada: Minister of Supply and Services.
18. Michael Porter. (1998). Adam Smith address: Location, cluster and the new microeconomics of competition. Business Economics. Vol.33. No.1.
19. Michael Porter. (1998) The Competitive Advantage of Nations. New York: The Free Press.
20. Michael Porter. (2003) Global Competitiveness Report. WEF: Oxford university press.
21. Porter, M. E. (1985), Strategy: Seeking and securing competitive advantage. (editor) Boston, Harvard Business School Press, 1991.
22. Porter, M. E. (1990), The Competitive Advantage of Nations. New York: The Free Press, 1990.
23. Porter, M. E. (1986), Competition in Global Industries. (editor) Boston, Harvard Business School Press, 1986.
24. Paul Tracey & Gordon Clark. (2004) Global Competitiveness and Innovation. New York: Palgrave Macmillan
25. Paul Krugman. (1994). Competitiveness: A Dangerous Obsession. Foreign Affairs. April.
26. Paul Krugman. (1995) Globalization and the Inequality of Nations. The quarterly journal of economics. November.
27. Robert Lucas. (2002). Lectures on Economic Growth. Cambridge: Harvard University Press.
28. Robert, Kudrle. (1996). The Perspectives on Competitiveness: an introduction to made in America. The International Executive.
29. Roger Martin. (2004) Strengthening Structures: Upgrading specialized support and competitive pressure. Working Paper5. Canada: Institute for Competitiveness & Prosperity
30. Veliyath Rajarma & Shaker Zahra. (2000) Competitiveness In 21 Century: Reflections on the Growing Debate About Globalization. Advances in Competitiveness Resaeach. Vol.8. No.1
31. Samiha, Fawsy. (2002), Globalization and Firm Competitiveness in the Middle East and North Africa. Washington: World Bank.
32. Stout, D.K. (1987) Competition in International Trade in The New Palgrave Dictionaty of Economics. UK: Macmillan Press. Vol.1.
33. Stephane Garelli (2010) the Competitiveness Roadmap:2009-2050, IMD World Competitiveness Yearbook 2009.
34. World Economic Forum (2008-2020) The Global Competitiveness Report 2010-2019. Geneva: World Economic Forum.